

ماهیت کیفری تأمین مالی تروریسم

محمدابراهیم شمس ناتری^۱، داود اسلامی^{۲*}

۱. دانشیار پردیس فارابی دانشگاه تهران

۲. دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، مدرس دانشگاه زنجان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۸/۶ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۳/۱۰)

چکیده

امروزه مقابله با تروریسم یکی از دغدغه‌های اصلی جامعه جهانی است. از این رو راهکارهای مختلف سیاسی، نظامی و حقوقی در این زمینه طراحی و اجرا می‌شود. یکی از راهکارهای مورد توجه که در اسناد بین‌المللی نمود زیادی پیدا کرده، مقابله با تأمین مالی تروریسم است. در بیشتر اسناد بین‌المللی این عنوان همراه با پول‌شویی مورد بحث قرار می‌گیرد، چراکه به اعتقاد صاحب‌نظران شباهت زیادی بین این دو عنوان وجود دارد. این رویکرد تا زمانی که عمده منابع مالی از طریق حمایت‌های مالی ثروتمندان و دولت‌ها تأمین می‌شد، کارآمد بود، ولی امروزه با تحولات رخ داده در گروه‌های تروریستی نمی‌توان صرفاً با تدابیر اتخاذ شده در پول‌شویی به جنگ منابع مالی تروریست‌ها رفت. گروه‌های تروریستی امروزه بیشتر منابع مالی خود را از سرزمین‌های تحت اشغال، تجارت و ارتکاب جرایم سازمان‌یافته به دست می‌آورند. به عبارتی می‌توان گفت امروزه جهان با اقتصاد تروریسم مواجه است. بر این اساس برای طراحی نظام کارآمد مقابله با تأمین مالی تروریسم باید علاوه بر استفاده از تدابیر مقابله با پول‌شویی به تدابیر توصیه شده در اسناد مربوط به جنایات سازمان‌یافته نیز توجه کرد. مقابله با تأمین مالی تروریسم بخشی از تلاش جامع‌تری است که در جامعه جهانی برای مقابله با تروریسم صورت می‌پذیرد. بر این اساس جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم در ایران بدون ایجاد سازوکارهای دیگر حقوقی مقابله با تروریسم راه‌حل مناسبی برای مقابله با این پدیده نیست. این مقاله علاوه بر تحلیلی مبنی بر تغییر الگوی تأمین مالی تروریسم، سیاست کارآمد در این حوزه را نیز بررسی می‌کند.

کلیدواژگان

پول‌شویی، تأمین مالی تروریسم، تروریسم، جرایم سازمان‌یافته.

مقدمه

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آمریکا، جامعه جهانی در کنار الگوهای سیاسی، نظامی و حقوقی مقابله با تروریسم، کنترل منابع مالی تروریسم را نیز به‌عنوان یک راهبرد ترکیبی همواره مدنظر داشته است. این راهبرد علاوه بر مقابله حقوقی با استفاده از ابزار کیفری، پیشگیری را به‌عنوان رکنی مهم در دستور کار خود قرار داده است. در این رویکرد دولت‌ها با انگشت گذاردن بر محل کسب درآمدهای مالی تروریست‌ها، و با از بین بردن یا محدود کردن منابع مالی آنها، از یک حربه مؤثر و کم‌هزینه برای مقابله با تروریسم بهره می‌گیرند؛ چراکه هر نهادی که دارای اعضا و تشکیلات است، برای بقای خود به منابع مالی احتیاج دارد؛ در واقع منابع مالی حکم موتور مبارزه مسلحانه را دارد.

حادثه یازدهم سپتامبر در آمریکا از حیث ماهیت، گستره، محل وقوع، واکنش بین‌المللی و راه‌های مقابله، در تاریخ حوادث تروریستی منحصر به فرد بوده است، به طوری که روش‌های مقابله با تروریسم را نیز متحول کرد. سیاست‌های آمریکا در مبارزه با تروریسم که در قانون (PATRIOT) بیان شده بود، به سرعت ابعاد جهانی به خود گرفت و سیاست‌های آمریکا زودتر از آنچه تصور می‌رفت، در حوزه حقوق داخلی کشورهای دیگر و نیز محافل و مراجع بین‌المللی بازتاب یافت. شورای امنیت قطعنامه ۱۳۷۳ را در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ تصویب کرد و با محور قرار دادن مبارزه با تأمین مالی تروریسم از کلیه دولت‌ها خواست تا در اسرع وقت به کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم که در سال ۱۹۹۹ تصویب شده بود، ملحق شوند و با پیوستن ۸۰ کشور بالاخره این کنوانسیون از سال ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا شد. در زمینه اهمیت این روش در اسناد بین‌المللی می‌توان به این نکته اشاره کرد که فقط در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵، شورای امنیت ده قطعنامه برای مقابله با تأمین مالی تروریسم صادر کرده است.

در بیشتر اسناد بین‌المللی، تأمین مالی تروریسم و پول‌شویی در کنار هم مطرح شده‌اند، این امر بدان سبب است که در آن سال‌ها بررسی‌های انجام گرفته در خصوص گروه‌های تروریستی فعال در عرصه بین‌المللی بیانگر این بود که بخش شایان توجه بودجه گروه‌های تروریستی از کمک‌های مالی دولت‌ها و افراد ثروتمند تأمین می‌شد که این منابع برای مخفی ماندن با استفاده از روش‌ها و شیوه‌های مورد استفاده در پول‌شویی به گروه‌های تروریستی منتقل می‌شد. تشابه در روش‌ها و شیوه‌های مورد استفاده و ماهیت این دو عنوان مجرمانه سبب شد که در ادبیات حقوقی و اسناد بین‌المللی تأمین مالی تروریسم و پول‌شویی در کنار هم مطرح شوند. با ورود سازمان‌های مالی مانند گروه اقدام مالی^۱، اگمونت^۲، ولفسبرگ^۳، باسل^۴ و... به این موضوع، جامعه جهانی اغلب بر

1. Uniting and Strengthening America by Providing Appropriate Tools Required to Intercept and Obstruct Terrorism Act, 2001
2. Financial Action Task Force on Money Laundering (FATF)
3. Egmont
4. Wolfsberg
5. Basel

نظارت‌های بانکی و مالی متمرکز شد. این سازمان‌ها با تصویب استانداردهای بین‌المللی بانک‌های جهانی را برای ورود به عرصه بین‌المللی منوط به رعایت این استانداردها کردند. با تشدید نظارت‌های بانکی و فراگیر شدن قواعد مقابله با حمایت مالی از تروریسم در جهان، سهم کمک‌های مالی در تأمین بودجه گروه‌های تروریستی کاهش یافته است. با ظهور گروه‌های تروریستی مانند داعش شاهد تغییر روش‌های تأمین مالی گروه‌های تروریستی هستیم، به گونه‌ای که امروزه سهم منابع مالی دیگر مانند جنایات سازمان‌یافته، فروش نفت، منابع طبیعی و معدنی، باج‌گیری، گروگان‌گیری، دزدی دریایی، اخذ مالیات و عوارض، قاچاق میراث فرهنگی در تأمین بودجه این گروه‌ها افزایش چشمگیری داشته است.

تأمین مالی تروریسم به تبع تروریسم بین‌المللی، وجهه فراملی پیدا کرده است. بر این اساس با توجه به بعد بین‌المللی این پدیده، هیچ منطقه‌ای از جهان نمی‌تواند و نباید در قبال تهدیدهای ناشی از این پدیده بی‌تفاوت باشد. همه کشورهای باید در مبارزه جهانی علیه تأمین مالی تروریسم مشارکت فعال داشته باشند؛ چراکه در غیر این صورت تروریست‌ها و حامیان آنها به سراغ کشورهای فاقد نظارت یا کمتر کنترل‌شده می‌روند و این مبارزه کم‌اثر می‌شود.

در ایران تاکنون تروریسم به صورت مستقل جرم‌انگاری نشده است ولیکن قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم تحت فشارهای بین‌المللی و در راستای رفع محدودیت‌های ایجادشده برای نظام بانکی، پس از چند نوبت اصلاح در مجلس، سرانجام در تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۳ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

برای طراحی نظام مقابله با تأمین مالی تروریسم در ایران، باید به تحولات رخ داده در این عرصه توجه داشته باشیم. بی‌شک تقلید از الگوهای ارائه‌شده در کشورهای دیگر بدون اشراف به موقعیت جغرافیایی سیاسی و ضعف‌های موجود در نظام حقوقی ایران نتیجه مطلوبی برای ما به ارمغان نخواهد آورد. در این مقاله بر آنیم تا با ارائه تحلیلی از آخرین تغییرات صورت‌گرفته در شیوه‌های تأمین مالی گروه‌های تروریستی، رویکرد جامع در مقابل این تهدید بین‌المللی را ارائه دهیم. بر این اساس در این مقاله در پی پاسخ به سه پرسش خواهیم بود: اول) چه تغییراتی در منابع تأمین مالی تروریسم رخ داده است؟ دوم) ماهیت و میزان دخالت گروه‌های تروریستی در اشکال دیگر جرایم، از جمله جرایم فراملی چیست؟ سوم) رویکرد جامع در مقابله با این تهدید بین‌المللی چگونه باید باشد؟

برای پاسخ به این پرسش ابتدا تعریف تأمین مالی تروریسم را مورد مذاقه قرار خواهیم داد و سپس با بیان پیشینه به‌نوعی تحولات صورت‌گرفته در این موضوع را بررسی خواهیم کرد. در ادامه با ارائه تحلیلی در خصوص تغییر الگوی تأمین مالی گروه‌های تروریستی به بررسی منابع تأمین مالی در الگوی جدید می‌پردازیم. با توجه به جایگاه شورای امنیت در ایجاد الزامات حقوقی مقابله با تروریسم قطعنامه‌های اخیر این شورا بررسی می‌شود و در نهایت با بررسی اجمالی سیاست جنایی ایران در این خصوص، رویکرد صحیح مقابله با این تهدید بیان خواهد شد.

الف) تعریف تأمین مالی تروریسم

عنوان تأمین مالی تروریسم^۱، اغلب پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آمریکا مطرح شد. در بادی امر، ممکن است از این عنوان تعریف ساده‌ای مطرح شود: ارائه وجوه به گروه‌های تروریستی؛ ولی این تعریف پرسش‌های دیگری را به ذهن متبادر می‌کند. منظور از وجوه چیست؟ آیا صرفاً شامل نقود می‌شود یا سایر اموال را نیز در برمی‌گیرد؟ آیا این عنوان علاوه بر اموال، خدمات مالی را نیز در برمی‌گیرد؟ آیا دادوستد با گروه‌های تروریستی نیز جرم محسوب می‌شود؟

از ماده ۲ کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم این تعریف قابل استنباط است: «ارائه یا جمع‌آوری وجوه، به هر وسیله، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، بر خلاف قانون و به‌طور عمد، به قصد یا با علم به اینکه به‌طور کلی یا جزئی، صرف اجرای اعمال تروریستی گردد» (International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism/1999/Article 2).

قبل از ورود به تحلیل تعریف ذکر شده باید تعریف کنوانسیون از وجوه را بیان کنیم. در بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون وجوه را چنین تعریف می‌کند: «وجوه به معنای هر نوع دارایی است اعم از دارایی‌های مشهود یا غیرمشهود، منقول یا غیرمنقول، به هر نحوی که کسب شده باشد و مدارک یا ابزار حقوقی به هر شکل منجمله الکترونیکی یا دیجیتالی، یا مدارکی که دال بر مالکیت یا سهم در این دارایی‌هاست نظیر اعتبارات بانکی، چک‌های مسافرتی، چک‌های بانکی، حواله‌ها، سهام، اوراق بهادار، اوراق قرضه، برات، اعتبارنامه‌ها و غیره» (Ibid/1999/Article 1). از تعریف مذکور استنباط می‌شود اولاً تعریف صرفاً ناظر بر اعمال تروریستی است و به ممنوعیت حمایت مالی از تروریست‌ها و سازمان‌های تروریستی اشاره‌ای نشده است (عباسی، ۱۳۹۳: ۱۵۲)؛ ثانیاً براساس این تعریف زمانی شخص مسئولیت کیفری دارد که نسبت به استفاده از این منابع مالی در اعمال تروریستی علم داشته باشد.

شورای امنیت سازمان ملل در قطعنامه شماره ۱۳۷۳ تعریف ارائه‌شده در کنوانسیون را به تروریست‌ها و سازمان‌های تروریستی نیز گسترش داده است. براساس بند ۱ این قطعنامه تمام دولت‌ها باید: «الف) از تأمین مالی اعمال تروریستی جلوگیری و آن را متوقف کنند؛ ب) ارائه یا جمع‌آوری داوطلبانه منابع مالی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم توسط اتباع خود یا در قلمرو خود را که به‌منظور آنکه از این منابع مالی جهت انجام اعمال تروریستی استفاده شود یا با علم به اینکه قرار است از آن منابع مالی به این منظور استفاده شود، عملی مجرمانه قلمداد کنند؛ ج) بدون تأخیر منابع مالی و سایر دارایی‌های مالی یا منابع اقتصادی کسانی را که مرتکب اعمال تروریستی می‌شوند یا درصدد ارتکاب آن‌اند یا در ارتکاب اعمال تروریستی مشارکت یا آن را تسهیل کنند مسدود نمایند؛ د) منابع

1. Financing of Terrorism

مالی و دیگر دارایی‌های مالی یا امکانات اقتصادی را که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به این افراد تعلق دارد یا در اختیار آنان است، فوری مسدود کنند؛ ه) منابع مالی به‌ویژه دارایی‌های مالی و منابع اشخاص و نهادهایی را که از طرف یا به دستور این قبیل افراد و نهادها عمل می‌کنند فوری مسدود کنند؛ و) اتباع خود یا هر شخص حقیقی یا حقوقی مقیم سرزمین خود را از ارائه مستقیم یا غیرمستقیم هر گونه وجوه یا دارایی‌های مالی یا منافع اقتصادی یا خدمات مالی یا سایر خدمات مرتبط به نفع اشخاصی که مبادرت به اقدامات تروریستی یا شروع به آن می‌کنند یا وقوع آن را تسهیل یا مشارکت در انجام آن دارند یا به نفع مؤسساتی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم متعلق به این اشخاص یا تحت کنترل آن‌ها هستند یا به نفع اشخاص حقیقی یا حقوقی که از طرف یا به دستور اشخاص فوق عمل می‌کنند، ممنوع سازند» (United Nations S/RES/1373/2001).

در قطعنامه ۲۱۶۶ شورای امنیت مصوب ۲۰۱۴ تأکید شده است که تأمین مالی تروریسم مشمول شرکت کردن مستقیم در این جرم یا تسهیل آن و همچنین کمک مستقیم یا غیرمستقیم به هر فرد یا گروه تروریستی که در فهرست تحریم‌های سازمان ملل قرار دارد یا واجد شرایط ذکر شده در اسناد سازمان ملل است، خواهد بود (United Nations S/RES/2166/2014).

از نظر نگارنده باید بین دو اصطلاح تأمین مالی تروریسم و حمایت مالی از تروریسم تفاوت قائل شد. تأمین مالی تروریسم از طرق مختلفی ممکن است انجام گیرد که یکی از آنها کمک ثروتمندان و دولت‌هاست و حمایت مالی از تروریسم اغلب متوجه این شیوه است. امروزه بحث اقتصاد تروریسم مطرح است، بدین معنا که گروه‌های تروریستی در بازار تجارت نفت و قاچاق منابع طبیعی و میراث فرهنگی نقش آفرینی می‌کنند، از این‌رو اشخاصی را که بدون اغراض حمایتی و صرفاً با انگیزه‌های سودجویانه با گروه‌های تروریستی یا اشخاصی که با گروه‌های تروریستی در ارتباط‌اند، دادوستد و تعامل مالی دارند، بهتر است مشارکت‌کنندگان در تأمین مالی تروریسم بدانیم نه حامیان مالی تروریسم. بر این اساس حمایت مالی از تروریسم را می‌توان بخشی از تأمین مالی تروریسم و رابطه این دو را باید عام و خاص مطلق دانست. نتیجه تمایز این دو اصطلاح در ارائه تعریف و اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه و کیفی نمایان می‌شود که در ادامه محسوس‌تر خواهد بود.

ارائه تعریفی که مستفاد از اسناد بین‌المللی باشد و با نظام حقوقی ما نیز سازگار باشد، کمی مشکل است، ولی می‌توان تعریف زیر را به‌عنوان الگو و نمونه برای قانونگذاران ارائه کرد، اگرچه بهترین روش در جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم این است که بدون ارائه تعریف جزئی از آن، به مصادیق اشاره شود، چنانکه بیشتر کشورها از این روش، پیروی کرده‌اند؛ اما به هر حال با توجه به مباحث ارائه‌شده این عنوان مجرمانه را این‌گونه می‌توان تعریف کرد:

« هر گونه دادوستد با گروه‌های تروریستی، جمع‌آوری و ارائه مستقیم یا غیرمستقیم وجوه، دارایی‌های مالی و خدمات مالی به هر وسیله، به قصد یا با علم به اینکه به‌طور کلی یا جزئی، صرف اجرای اعمال تروریستی شده و یا به نفع اشخاص و سازمان‌هایی که به هر شکلی در اعمال تروریستی نقش دارند مصرف می‌گردد.»

ب) پیشینه تأمین مالی تروریسم

تروریسم و استفاده از آن برای کسب قدرت یا حذف رقبا پدیده‌ای است که بشر از گذشته‌های دور با آن مواجه بوده است. در تاریخ تروریهایی که توسط گروه‌های سازمان‌یافته علیه دشمنان سیاسی اتفاق افتاده است، کم نیست. آوازه جنبش فرقه اسماعیلیان به رهبری حسن صباح در طرح‌ریزی و انجام ترورهای سازمان‌یافته، چنان بلند بوده است که غربی‌ها امروزه هم به آن علاقه‌مندند؛ چراکه برخی از ویژگی‌های این جنبش یادآور جنبش‌های معاصر است (فیرحی، ۱۳۸۷: ۱۵۰). مشخصه تروریسم در دوران معاصر، کشیده شدن مردم به صحنه جنگ قدرت و استفاده از مردم به‌عنوان ابزاری برای ورود فشار به دولت‌هاست.

هر جا بحث تروریسم مطرح بوده بحث حمایت مالی از آن نیز وجود داشته، از این‌رو حمایت مالی از تروریسم تاریخچه‌ای جدا از تاریخچه تروریسم ندارد، یعنی تلاش‌های جامعه بین‌المللی برای مقابله با تأمین مالی تروریسم، بخشی از تلاش‌های کلی تری بوده‌اند که برای مقابله با تروریسم انجام گرفته است.

اولین حرکت منسجم جامعه بین‌المللی در مبارزه با تروریسم به دوران جامعه ملل بازمی‌گردد. در آن دوره جامعه بین‌المللی شاهد عملیات تروریستی عدیده‌ای بود که طی آن پادشاهان، رؤسای جمهور، وزرا، مقامات عمومی و اماکن دولتی و عمومی بسیاری هدف قرار گرفتند. در میان این ترورها قتل «شاه الکساندر»، پادشاه یوگسلاوی سابق، و «لویی بارتو»، وزیر خارجه وقت فرانسه، را در دهه سی باید نقطه عطفی در حرکت جامعه بین‌المللی در مبارزه با تروریسم دانست (عبداللهی، ۱۳۸۱: ۱۷).

نیاز تروریست‌ها به منابع مالی موجب شد تا با توجه به هم پوشانی منافع آنها با برخی دولت‌ها، حامیان مالی از میان دولت‌ها به دست آورند. دولت‌های حامی تروریسم با صرف چنین هزینه‌هایی منافع خود را از شیوه‌های نامشروع دنبال می‌کردند. کمک‌های مالی شوروی سابق، کره شمالی و کوبا به گروه‌های تروریستی مارکسیستی سراسر جهان در همین زمینه صورت می‌گرفت. لیبی چنین کمک‌هایی را سخاوتمندانه به گروه‌هایی چون بریگادهای سرخ، ارتش جمهوری خواه ایرلند، ببرهای تامیل، ارتش سرخ ژاپن و دیگر گروه‌ها تقدیم می‌کرد (Adames, 1986: 37).

تا قبل از دهه ۱۹۹۰ شورای امنیت نسبت به پرداختن و توجه به اقدامات تروریستی به‌عنوان اعمال ضد صلح و امنیت بین‌المللی چندان میلی نداشت که این امر بیشتر ناشی از وضعیت سیاسی و بین‌المللی حاکم بر جنگ سرد و منازعات خاص دوران دوقطبی بود، که رسیدن به توافقی در این زمینه را با توهای پیاپی دشوار می‌ساخت. از این‌رو برخی از اقدامات که آشکارا تروریستی قلمداد می‌شدند، مانند حمله به ورزشکاران اسرائیلی در مونیخ در سال ۱۹۷۲ و ربودن هواپیمای فرانسوی در سال ۱۹۷۶ چندان واکنش شدیدی را از سوی شورای امنیت در پی نداشت (کارگری، ۱۳۹۱: ۲۲۶).

پس از پایان جنگ سرد، شورای امنیت از فرصتی استثنایی برای ایفای نقش جدی در صحنه روابط بین‌الملل و اعاده جایگاه حقیقی خود به‌عنوان حافظ اصلی صلح و امنیت بین‌المللی برخوردار شد. نقش آفرینی جدی شورای امنیت در مقابله با تروریسم عملاً چهار سال پس از انفجار پرواز ۱۰۳ هواپیمای پان آمریکن در ۱۹۸۸ در اسکاتلند و قتل تعدادی از شهروندان آمریکایی و چند

تبعه انگلیسی، با صدور قطعنامه‌های ۷۳۱ و ۷۴۸ آغاز شد (بقای همامه، ۱۳۸۰:۱۰۲). قطعنامه ۷۳۱ از کوتاهی لیبی در همکاری جهت استرداد مسئولان اقدام تروریستی انفجار پرواز بر فراز لاکربی اظهار تأسف کرده و لیبی را ملزم کرد تا در راستای از میان برداشتن تروریسم بین‌المللی همکاری کند (SC Res 731/1992, paras 2 and 3).

متعاقب انفجار بمب در نزدیکی سفارتخانه‌های آمریکا در دارالسلام (تانزانیا) و نایروبی (کنیا) در سال ۱۹۹۸، شورای امنیت قطعنامه ۱۱۸۹ را صادر کرد. آمریکا بن‌لادن را متهم اصلی انفجارها می‌دانست. نام بن‌لادن از اواسط دهه ۱۹۹۰ به‌خصوص بعد از انفجار پایگاه‌های آمریکا در طهران (۱۹۹۵) و ریاض (۱۹۹۶) به‌عنوان طراح و معمار یک شبکه گسترده ترور بین‌المللی علیه اهداف غرب خاصه آمریکا بر سر زبان‌ها افتاده بود. در همین سال کنسولگری ایران توسط طالبان در افغانستان اشغال شد و قطعنامه ۱۱۹۳ توسط شورای امنیت صادر شد. قطعنامه بعدی شورای امنیت در مورد طالبان متعاقب کشتار دیپلمات‌ها و خبرنگار ایرانی صادر شد. در قطعنامه ۱۲۱۴ شورای امنیت از طالبان خواسته از در اختیار گذاشتن پناهگاه امن، امکانات آموزشی و دیگر کمک‌ها به گروه‌های تروریستی خودداری کنند. حدود یک سال پس از انفجار بمب در سفارتخانه‌های آمریکا در آفریقای شرقی و وقوع اتفاقات افغانستان و عدم تمکین طالبان در برابر خواست‌های آمریکا شورای امنیت قطعنامه ۱۲۶۷ را مورخ ۱۵ اکتبر ۱۹۹۹ در ارتباط با توقیف وجوه و سایر منابع مالی طالبان صادر کرد؛ این اولین بار بود که به‌طور مستقیم بحث حمایت مالی از تروریسم در یک سند بین‌المللی مطرح شد (بقای همامه، ۱۳۸۰:۱۱۰).

با حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مقابله با حمایت مالی تروریسم چهره‌ای دیگرگون به خود گرفت. قطعنامه‌هایی که پس از این حوادث صادر شدند، چهره‌ای دیگر را از برخورد شورای امنیت با تروریسم به نمایش گذاردند. قطعنامه ۱۳۷۳ که مهم‌ترین قطعنامه شورای امنیت در این موضوع است، در همین سال صادر شد. این قطعنامه دولت‌ها را ملزم می‌کند تا تأمین مالی اقدامات تروریستی را جرم‌انگاری و برای پیشگیری و مقابله با آن تلاش کنند (SC Res 1373/2001/para 1).

در پی حوادث صورت گرفته در سپتامبر ۲۰۰۱ بلافاصله دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مرز میان تأمین مالی و پول‌شویی را از میان برداشتند، حال آنکه تا قبل از آن پول‌شویی اغلب در راستای مبارزه با تأمین منافع مالی حاصل از جرم در ارتکاب جرایم بعدی بررسی می‌شد. اوج گسترش مبارزه با پول‌شویی را می‌توان بعد از سال ۲۰۰۱ مشاهده کرد، چراکه با همراه شدن مبارزه با تأمین مالی تروریسم و پول‌شویی، تحولات حقوقی با اقدامات صورت گرفته در عرصه بین‌المللی که در قالب صدور قطعنامه و کنوانسیون و توصیه‌های نهادهای بین‌المللی بود، تقویت شد (عالی‌پور، ۱۳۸۵:۳۸۱).

پس از این تحولات مبارزه با تأمین مالی تروریسم تنها در اقدامات سازمان‌های بین‌المللی سیاسی همچون سازمان ملل خلاصه نشد و با ورود سازمان‌های مالی و اقتصادی بین‌المللی همچون گروه ضربت اقدام مالی موسوم به فنتف (FATF)، گروه اگمونت، کمیته باسل و مانند آنها نقش اصلی و محوری را، این سازمان‌ها بر عهده گرفتند. توصیه‌ها و استانداردهای تعریف‌شده توسط این

سازمان‌ها هرچند از دید حقوق بین‌الملل برای کلیه کشورهای الزام‌آور نیستند، از نگاه فعالان بانکی و اقتصادی الزام‌آورند و تأثیر مستقیم در این مقابله دارند. بر این اساس با تلاش‌های صورت‌گرفته هم‌اکنون شاهد ایجاد نظام حقوقی و مالی برای مقابله با حمایت مالی از تروریسم هستیم.

ب) رابطه بین تأمین مالی تروریسم و پول‌شویی

در ادبیات حقوقی، اسناد بین‌المللی و توصیه‌های سازمان‌های مالی فعال در این حوزه معمولاً تأمین مالی تروریسم در کنار جرم پول‌شویی می‌آید. حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ بیش از پیش رابطه بین پول‌شویی و تروریسم را آشکار کرد. تخمین زده شده که هزینه عملیاتی اقدامات ۱۱ سپتامبر بالغ بر چهارصد تا پانصد هزار دلار بود که از کشور امارات متحده عربی برای تروریست‌ها در آمریکا ارسال شده و در ۲۴ حساب بانکی متفاوت و در ۴ بانک مختلف در جریان بوده است (Kantor, 2002:370). به عبارت دیگر، گروه‌های تروریستی سازمان‌یافته از طریق شیوه‌ها و روش‌های مورد استفاده در پول‌شویی، هزینه این عملیات را از سیستم بانکی آمریکا تأمین کرده‌اند. بر این اساس در بند ۴ قطعنامه ۱۳۷۳ که فقط هفت روز بعد از حادثه یازدهم سپتامبر تصویب شد، به ارتباط نزدیک بین حمایت مالی از تروریسم و پول‌شویی اشاره و لزوم مبارزه جدی با این پدیده‌ها در سطوح ملی و بین‌المللی تأکید شده است (SC Res 1373/2001, para 4).

واقعه یازدهم سپتامبر موجب شد که نهادها و سازمان‌های بین‌المللی فعال در حوزه مبارزه با پول‌شویی دامنه فعالیت خود را به مقابله با حمایت مالی از تروریسم نیز تسری دهند. برای نمونه گروه ضربت اقدام مالی (FATF) در اجلاسیه فوق‌العاده روزهای ۲۹ و ۳۰ اکتبر ۲۰۰۱ هشت توصیه ویژه در زمینه مبارزه با تأمین مالی تروریسم تصویب کرد و به توصیه‌های چهل‌گانه خود افزود که در اجلاسیه ۲۲ اکتبر ۲۰۰۴ یک توصیه دیگر نیز به توصیه هشت‌گانه در زمینه مبارزه با تأمین مالی تروریسم اضافه شد و در مجموع به توصیه‌های ویژه معروف شدند (زارع قاجاری، ۱۳۹۲:۱۲). از میان توصیه‌های این نهاد، بند ۵ استانداردهای بین‌المللی مبارزه با پول‌شویی، تأمین مالی تروریسم و اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی منتشرشده در سال ۲۰۱۲، به‌طور مشخص به ارتباط و پیوند نزدیک بین پول‌شویی و تروریسم تأکید دارد. در این بند آمده است که تأمین مالی سازمان‌های تروریستی و افراد تروریست حتی در صورت عدم ارتباط آنها با یک اقدام یا مجموعه اقدامات تروریستی خاص باید جرم‌انگاری شود و کشورها باید در قوانین داخلی خود این‌گونه جرایم را به‌عنوان جرایم منشأ پول‌شویی معین کنند (FATF Recommendations/2012/para5).

گروه بانکی ولفسبرگ^۱ که در زمینه مبارزه با پول‌شویی فعالیت می‌کرد، در ژانویه ۲۰۰۲ بیانیه‌ای را با عنوان «بیانیه راجع به مبارزه با تأمین مالی تروریسم»^۱ تصویب کرد؛ در این بیانیه راهکارهایی که مؤسسات مالی باید در مبارزه با تأمین مالی تروریسم اتخاذ کنند، بیان شده است.

1. Wolfsberg Group of Bank

سازمان ملل متحد در راستای همین سیاست و برای تأکید بر مرتبط بودن این دو جرم در سال ۲۰۰۳ توسط «اداره مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد»^۲ اقدام به تهیه و تدوین پیش‌نویس «قانون نمونه سازمان ملل متحد در مورد پول‌شویی، عواید جرم و تأمین مالی تروریسم»^۳ کرد. این قانون صرفاً در راستای رسالت مشورتی سازمان ملل است و جنبه الزام‌آور ندارد.

شورای اروپا نیز به‌منظور تسری مقررات مصرحه در دستورالعمل سال ۲۰۰۱ به تأمین مالی تروریسم در ۲۶ اکتبر ۲۰۰۵ دستورالعمل جدیدی را با عنوان «دستورالعمل مربوط به ممانعت از استفاده از سیستم مالی به‌منظور پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم»^۴ تصویب کرد. این دستورالعمل بر خلاف دو دستورالعمل قبلی این شورا، یعنی دستورالعمل‌های سال ۱۹۹۱ و ۲۰۰۱ که فقط ناظر به پول‌شویی بودند، حاوی مقررات مشترکی برای پیشگیری از پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم است.

در حقوق داخلی برخی کشورها که در خصوص پول‌شویی قوانینی داشتند نیز این تغییرات قابل مشاهده است. در آمریکا قانون معروف به پاتریت که عنوان دقیق آن «قانون بسیج و تجهیز آمریکا به ابزار لازم برای جلوگیری و مقابله با تروریسم»^۵ است، تأسیس واحدی در خصوص مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم را پیش‌بینی کرده است.

حال این سؤال مطرح می‌شود که چرا چنین ارتباط نزدیکی بین پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم در اسناد بین‌المللی و قوانین وضع‌شده وجود دارد؟ چه شباهت‌هایی بین این دو وجود دارد؟ تفاوت این دو عنوان مجرمانه در چیست؟ و بالاخره چرا در دنیا به این نتیجه رسیده‌اند که از یک نظام برای مقابله با اینها استفاده کنند؟

ارتباط نزدیک بین پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم اغلب به دو مورد برمی‌گردد. عامل اول را می‌توان ماهیت پنهانی و مخفیانه آنها دانست. به این معنا که کلاً پول‌شویی برای مخفی نگه‌داشتن منبع اصلی اموال مجرمانه است و در مورد تأمین مالی تروریسم نیز حتی اگر وجوه و بودجه عملیات تروریستی از منابع قانونی و مشروع هم تأمین شده باشد، آنها نیازمند اختفا و کتمان روابط بین این وجوه و منابع مشروع هستند. همین مسئله سبب می‌شود که هر دو از راه‌های مشابهی استفاده کنند، چراکه پول‌شویان به‌دنبال راه‌هایی هستند که بدون جلب نظر مقامات وجوه خود را تطهیر کنند و حامیان تروریست‌ها نیز در پی راه‌هایی هستند که منابع مالی را به دست آنها برسانند، بدون اینکه مقامات از آنها مطلع شوند. پس عامل دوم عبارت است از اینکه با توجه به

1. Wolfsberg statement on the Suppression of the Financing of Terrorism

2. United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC)

3. UNODC Model Money Laundering, Proceeds of Crime and Terrorist Financing Bill 2003

4. Directive 2005/60/EC of the European Parliament and of the Council of 26 October 2005 on the prevention of the use of the financial system for the purpose of money laundering and terrorist financing

5. Uniting and Strengthening America by Providing Appropriate Tools Required to Intercept and Obstruct Terrorism Act, 2001

شباهت مکانیسم پول شویی و تأمین مالی تروریسم روش‌ها و شیوه‌های مورد استفاده یکسان‌اند. بر این اساس از راهکارهای پیشگیری و رژیم مبارزه مشابه پیروی می‌کنند (Schott, 2006: 23). از سوی دیگر پول شویی و حمایت مالی از تروریسم که یکی از منابع تأمین مالی تروریسم محسوب می‌شود، هر دو سه مرحله دارند که عبارت‌اند از: ۱. استقرار^۱؛ ۲. لایه‌گذاری^۲؛ ۳. ادغام^۳. در مرحله استقرار اموالی که موضوع جرم هستند، خواه جرم پول شویی و خواه جرم حمایت مالی تروریسم، در حساب‌هایی در یک بانک یا مؤسسه مالی غیربانکی سپرده می‌شوند. مرحله لایه‌گذاری که مرحله شست‌وشو دادن هم نامیده می‌شود، مرحله‌ای است که در آن طی اقداماتی مانند معاملات، نقل و انتقالات بانکی و ... جابه‌جا می‌شوند تا منبع آنها پنهان شود. در مرحله آخر که ادغام نام دارد، در پول شویی بدین‌گونه است که اموال مذکور صرف خرید اموال غیرمنقول، اموال لوکس و مانند آن می‌شود، ولی در حمایت مالی تروریسم این مرحله عبارت است از رسیدن وجوه به تروریست‌ها.

سه مرحله ذکر شده علاوه بر اینکه شباهت این دو عنوان مجرمانه را نشان می‌دهد، بیانگر تفاوت آنها نیز است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود مراحل اول و دوم در پول شویی و حمایت مالی تروریسم مشابه است، ولی مرحله سوم در این دو نوع جرم متفاوت است. این تفاوت، به تفاوت در اهداف این جرایم برمی‌گردد؛ چراکه پول شویی با هدف پنهان کردن منشأ مجرمانه اموال و حمایت مالی تروریسم با هدف رساندن منابع مالی به تروریست‌ها انجام می‌گیرد.

تفاوت مهم دیگر به منابع مالی این دو جرم برمی‌گردد. منبع مالی تروریسم ممکن است قانونی یا غیرقانونی یا تلفیقی از دو منبع قانونی و غیرقانونی باشد، درحالی که منبع و منشأ درآمدهای مربوط به پول شویی ضرورتاً نامشروع و ناشی از اعمال مجرمانه است. به بیان دیگر، سرمایه و بودجه مربوط به حمایت مالی تروریسم ضرورتاً ناشی از عمل مجرمانه نیست، درحالی که این مقوله (ناشی بودن از عمل مجرمانه) عنصر ضروری و جزء لاینفک جرم پول شویی تلقی می‌شود. در حمایت مالی تروریسم حتی ارسال درآمدهای مشروعی مانند کمک‌های مردمی هم به دلیل اینکه در اهداف تروریستی استفاده خواهند شد، به اینها وصف مجرمانه می‌دهد. از این‌رو می‌توان گفت در پول شویی ضرورتاً مبدأ منابع مالی و در تأمین منابع مالی مقصد منابع مالی نامشروع است (Schott, 2006: 23).

ت) تغییر الگوی تأمین مالی تروریسم

تحلیل اینکه تروریست‌ها چطور و از کجا پول جمع‌آوری و اینکه چطور آن را جابه‌جا و ذخیره می‌کنند و توجه به تغییرات حاصل شده در منابع، شیوه‌ها و فنون تأمین مالی؛ برای برنامه‌ریزی‌های

1. Placement stage
2. Layering stage
3. Integration stage

ما جهت قطع ارتباطات آنها با حامیانشان و مهم‌تر از همه طراحی نظام کارآمد مقابله با تروریسم اهمیت دارد.

با عملیاتی شدن استانداردهای مقابله با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم در بسیاری از کشورها اهداکنندگان به‌خصوص ثروتمندان در مورد خطرهای مشارکت در تأمین مالی تروریست‌ها بسیار هوشیارتر شده‌اند، چراکه این خطرها متوجه معیشت، شهرت و حتی آزادی آنها می‌شود، همین مسئله سبب پیچیده‌تر شدن روابط آنها شده است. از سوی دیگر گروه‌های تروریستی به شکل فزاینده‌ای با بومی‌ها، درون جوامع یا نزاع‌های بین قومی درگیر شده‌اند که ربطی به مبارزه با دخالت‌های خارجی یا جنگ با سیاست‌های دولت ندارد (Barret, 2012: 2).

تروریسم جهانی نیز تا جایی که به القاعده مربوط می‌شود، در حال انزوال است. الگوی تروریسم جهانی آن‌گونه که توسط اشخاصی مانند عبدالله عظام نظریه‌پرداز و توسط اسامه بن‌لادن عملیاتی شد، جذابیت خود را از دست داده است. حتی میان رهبری القاعده در حال حاضر به‌جای حمله بر دشمن دور، تأکید بر تمرکز علیه دشمن نزدیک و کنترل یک منطقه بومی است. اگرچه بعضی از این گروه‌ها ظرفیتی را برای حمله بر جاهای دیگر نگه می‌دارند، آنها برای صلح جهانی و امنیت کشورهای اروپایی نسبت به هر زمان دیگری از شروع قرن اخیر کم‌خطرترند (Barret, 2012: 3).

در واقع پس از حادثه ۱۱ سپتامبر حمله تروریستی بزرگی در کشورهای غربی به‌غیر از حمله برویک^۱ (نروژ ۲۰۱۱) و بمب‌گذاری لندن (جولای ۲۰۰۵) وجود نداشته است.^۲ دلیل این کاهش حملات در کشورهای اروپایی رویکرد گروه‌های تروریستی به جوامع آسیب‌پذیر واقع شده در آفریقا و خاورمیانه است. واقعیت این است که تروریسم آنچه را که تبلیغات می‌کند، ارائه نمی‌دهد. تروریسم در کشورهای اسلامی مانند عراق، افغانستان و پاکستان آسیب‌های زیادی وارد کرده است. در واقع تروریسم این آسیب‌ها را بیشتر به جوامعی که ادعای دفاع از آنها را دارد، وارد می‌کند (Barret, 2012: 7).

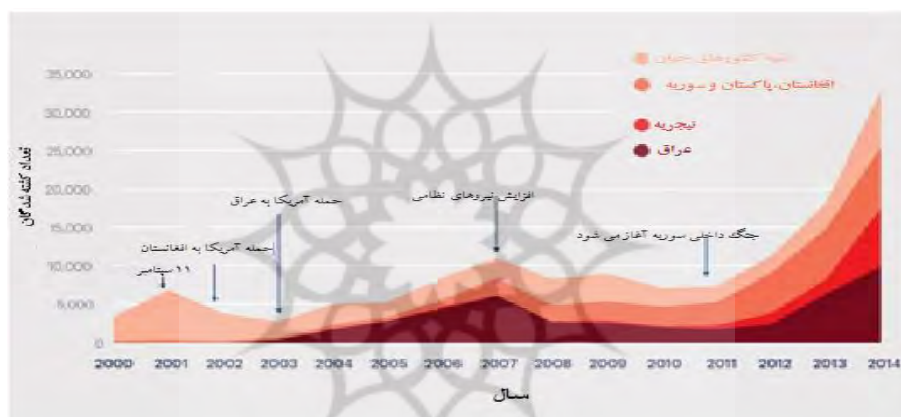
در حالی که جامعه بین‌المللی به‌شدت رهبری مرکزی القاعده را تنزل داده، تهدید تروریست‌ها در حال رشد تدریجی است. شعبه‌های وابسته به القاعده در خاورمیانه و شمال غربی آفریقا عملاً استقلال خود را از القاعده مرکزی تحقق بخشیده‌اند و بعضاً با اسامی جدید فعالیت می‌کنند. این گروه‌های استقلال‌یافته روی اهداف محلی و منطقه‌ای متمرکز شده‌اند. برخی از رفتارهای این گروه‌ها مانند حمله به کارمندان بیمارستان و بیماران در حال بهبود در یمن، حمله به خانواده‌های کنیایی در حال خرید از یک فروشگاه بزرگ، حمله به روستاهای اهل سنت در عراق مورد تأیید القاعده مرکزی نیست. همین عوامل سبب شد که گروه داعش که قبلاً به‌عنوان شعبه القاعده در عراق و سوریه فعالیت می‌کرد، در آوریل ۲۰۱۳ اعلام موجودیت کرد. تهدید تروریسم به‌سرعت در

1. Breivik attack

۲. حملات تروریستی به فرانسه در شهرهای پاریس (۲۰۱۵) و نیس (۲۰۱۶) در این منبع لحاظ نشده است.

سال ۲۰۱۳ تکامل یافت. این شعبه‌ها طی این دو سال با استفاده از ضعف دولت و عدم ثبات در منطقه، استقلال مالی خود را از طریق آدم‌ربایی برای اخذ باج و دیگر فعالیت‌های جنایی تحقق بخشیده‌اند (Country Reports on Terrorism 2013/April 2014).

مؤسسه اقتصاد و صلح (IEP)^۱ آمار کشته‌شدگان تروریست‌ها را در سال ۲۰۱۴ بیش از ۳۲۶۵۸ نفر اعلام کرده، که این تعداد کشته‌شده بیشترین آمار کشته‌شدگان از سال ۲۰۰۰ تاکنون بوده است. این آمار حاکی از رشد ۸۰ درصدی نسبت به سال ۲۰۱۳ است، جالب اینکه ۷۸ درصد آنها در پنج کشور افغانستان، عراق، نیجریه، پاکستان و سوریه بوده است (Global Terrorism Index, 2015). نمودار زیر آمار کشته‌شدگان تروریسم از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ را نشان می‌دهد.^۲



تکنولوژی همیشه ابزار اقتصادی منتخب برای دولت‌های قدرتمند بود، اما امروزه این امکانات عمومی شده است. جهانی‌سازی، تکنولوژی را در دسترس تمام شهروندان سیاره زمین قرار داده است. برای نمونه از طریق دنیای اینترنت انواع سلاح‌ها و فناوری‌های پیشرفته و پیچیده را می‌توان به صورت قانونی یا غیرقانونی به دست آورد و گروه‌های جنایتکار و تروریست نیز از این پدیده و فرصت ایجادشده نهایت استفاده را می‌کنند (Marin, 2011: 10). از سوی دیگر رشد تجارت بین‌الملل و افزایش بیش از حد مبادلات مالی در بانکداری بین‌المللی فرصت‌های جدیدی برای پول‌شویان و سازمان‌های تروریستی و حامیان آنها فراهم کرده است تا مبادلات مالی خود را پنهان کنند (Bruce G. Ohr, 2002: 40).

1. INSTITUTE FOR ECONOMIC&PEACE
2. Global Terrorism Index 2015, MEASURING AND UNDERSTANDING THE IMPACT OF TERRORISM, INSTITUTE FOR ECONOMIC&PEACE

گسترش وسایل ارتباط جمعی، گروه‌های تروریستی را در یافتن همفکرانشان و جذب و پیوستن نیروهای جدید از سراسر جهان کمک زیادی می‌کند و افکار و عقاید آنها را به گوش جهانیان می‌رساند. در بهار عربی شاهد به نمایش درآمدن پرچم داعش و القاعده در اکثر تجمع‌های مردمی بودیم، پرچم‌های القاعده در میدان التحریر مصر، خیابان‌های تونس یا حتی در پارک زوکوتی در نیویورک یا در تجمع خیابان وال استریت یا در طول اعتراض ضد فساد در دهلی نو که توسط آنهازاره رهبری می‌شد، به اهتزاز درآمد (Barrett, 2012: 7). بر این اساس این گروه‌ها برای ترویج عقاید خود و جلب نظر مردم و تحت فشار قرار دادن دولت‌ها به عملیات پرهزینه نیاز ندارند، بلکه اینترنت و وسایل ارتباط جمعی این امکان را به آنها داده که در همه نقاط دنیا عقاید و تهدیدات خود را اعلام کنند.

بررسی الگوی تأمین مالی گروه تروریستی داعش، به‌عنوان الگویی موفق در سازمان‌های تروریستی نشان می‌دهد که این گروه بر خلاف سازمان‌های تروریستی مطرح گذشته مانند القاعده، بودجه خود را از کمک‌های مالی خارجی تأمین نمی‌کند، بلکه عمده این درآمد را در سرزمین‌های تحت اشغال خود در قلمرو عراق و سوریه به‌دست می‌آورد. این گروه اکثریت قریب به اتفاق درآمد خود را از طریق فعالیت‌های تجاری، جنایی و اخاذی در قلمرو مورد فعالیت خود به‌دست می‌آورد. داعش معمولاً سهم نسبتاً کوچکی از بودجه خود را توسط اهداکنندگان ثروتمند (نسبت به سایر منابع درآمد خود)، دریافت می‌کند، از این‌رو برای تأمین بودجه خود به انتقال پول از طریق شبکه بانکی یا مرزهای بین‌المللی وابسته نیست (FATF report, 2015: 12). چنین تغییراتی در شیوه‌های تأمین منابع مالی در سازمان‌های تروریستی را باید علائم ظهور نسلی جدید از تروریست‌های بین‌المللی دانست.

ث) منابع تأمین مالی تروریسم در الگوی جدید

براساس مطالعات تحقیقاتی مؤسسه رند^۱ آمریکا سازمان تروریستی «دولت اسلامی عراق و شام» معروف به داعش^۲، در سال ۲۰۱۴ درآمدی نزدیک به ۱/۲ میلیارد دلار داشته است.^۳ این در حالی است که گروه القاعده^۴ در سال درآمدی نزدیک به ۳۰ میلیون دلار را به خود اختصاص می‌دهد (Byman, 2014: 136).

گروه تروریستی داعش به اذعان بیشتر مؤسسات مطالعاتی ثروتمندترین گروه تروریستی حال حاضر جهان است.^۵ ساختار و شیوه تأمین منابع مالی توسط این گروه به الگویی موفق برای گروه‌های دیگر تبدیل شده است، بر این اساس ما با محور قرار دادن گزارش گروه ضربت اقدام

1. RAND

2. ISIS

3. <http://www.vox.com/2015/5/19/8625459/isis-cash-nyt>

4. AL-Qaida

6. <http://www.washingtontimes.com/news/2014/oct/23/isis-best-funded-terrorist-group-earth-treasury/?page=all>

مالی (FATF) در خصوص چگونگی تأمین منابع مالی گروه تروریستی داعش که در فوریه ۲۰۱۵ منتشر شده است^۱، به بررسی شیوه‌های تأمین منابع مالی توسط گروه‌های تروریستی در الگوی جدید می‌پردازیم.

۱. درآمدهای حاصل از اشغال قلمرو: براساس گزارش ففتف، بر خلاف گروه‌های تروریستی دیگری مانند القاعده بیشتر بودجه داعش از کمک‌های مالی خارجی استخراج نمی‌شود، بلکه در قلمرو عراق و سوریه تولید می‌شود (FATF report, 2015:12). این گروه از راه‌های زیر درآمدهای خود را از این مناطق کسب می‌کند:

۱.۱. غارت بانک: ایالت متحده تخمین می‌زند که این گروه فقط به صورت نقدی حداقل نیم میلیارد دلار آمریکا از کنترل شعب بانک‌های دولتی واقع در استان‌های نینوا، الانبار، صلاح‌الدین و کرکوک عراق به دست آورده است.

۲.۱. تجارت نفت و گاز: تخمین زده می‌شود که داعش از میادین نفت عراق و سوریه، روزانه ۵۰۰۰۰ بشکه نفت استخراج می‌کند و به فروش می‌رساند، که در محل‌های نزدیک چاه، هر بشکه به قیمت ۲۰ تا ۳۵ دلار به فروش می‌رسد. خانواده‌های محلی (عشیره) قدرتمندی در عراق و سوریه وجود دارند که به داعش در امر قاچاق فراورده‌های نفتی کمک می‌کنند. بخشی از این فراورده‌ها به مردم محلی به عنوان سوخت وسایل نقلیه و سایر مصارف فروخته می‌شود و بخشی نیز وارد شبکه تجارت جهانی می‌شود.

۳.۱. اخذ زکات از کشاورزان: سازمان غذا و کشاورزی سازمان ملل متحد تخمین می‌زند که داعش هم‌اکنون در بخشی از عراق فعالیت دارد که بیش از ۴۰ درصد زمین‌های زیر کشت گندم را به خود اختصاص داده است. این گروه از کشاورزان زکات می‌گیرد و در صورت عدم همکاری تجهیزات کشاورزی آنها را توقیف می‌کند.

۴.۱. اخذ مالیات شرعی و جزیه: داعش از تمامی برداشت‌های بانکی مالیات پنج درصدی اخذ می‌کند و همچنین از غیرمسلمانان جزیه دریافت می‌کند. مسیحیان ساکن در شهر القریه در استان حمص در غرب سوریه توافقنامه‌ای با داعش برای پرداخت جزیه امضا کرده‌اند. براساس این توافقنامه، مسیحیان باید در طول سال دومرتبه جزیه بپردازند؛ میزان جزیه به ازای هر نفر برای مسیحیان ثروتمند معادل یک مثقال طلا و برای افراد با درآمد متوسط، نصف آن است.

۵.۱. قاچاق میراث فرهنگی: براساس گزارش نشنال جئوگرافیک^۲ ۹۰ درصد آثار فرهنگی کشور عراق در مناطق جنگ‌زده قرار دارد که داعش بیش از ۴۵۰۰ سایت باستان‌شناسی را تحت

7. FATF REPORT/Financing of the Terrorist Organisation Islamic State in Iraq and the Levant/2015
2. National Geographic

اشغال خود درآورده است. در سوریه نیز مکان‌های تاریخی بسیاری در تصرف این گروه است، همین امر امکان غارت این آثار در مقیاس بسیار بزرگ را به این گروه داده که از این طریق میلیون‌ها دلار کسب درآمده کرده است.

۶.۱. اخذ مالیات از کالاها و پول نقد عبوری از قلمرو تحت اشغال: این گروه از کلیه

کامیون‌هایی که قصد عبور از مناطق تحت تصرف آنها را داشته باشد، مالیات اخذ می‌کند. مالیات گمرکی در مرز عراق و سوریه معادل ۸۰۰ دلار و مالیات جاده‌ای در شمال عراق ۲۰۰ دلار است.

۷.۱. درآمد حاصل از فروش کارخانه‌ها و معادن: داعش کنترل کارخانه‌های سیمان

فلوجه، کبیسه و القائم عراق و الرقه سوریه را در اختیار خود دارد. همچنین کارخانه‌های استخراج گوگرد نینوا، کارخانه نمک التبنی سوریه، کارخانه فسفات اکاشات عراق و... در اختیار داعش هستند. محصولات این کارخانه‌ها توسط داعش در بازار سیاه منطقه به فروش می‌رسد. این گروه امتیاز استخراج از معادن تحت تصرف خود را نیز در قبال مبالغ شایان توجهی واگذار می‌کند.

۲. آدم‌ربایی برای باج‌گیری: داعش و گروه‌های وابسته به آن صدها نفر از جمله عراقی‌ها،

سوری‌ها، اعضای محلی اقلیت‌های دینی، اتباع غربی و جنوب شرق آسیا را ربوده و در قبال آزادی آنها باج‌خواهی‌های متعددی را انجام داده است. برآوردهای گروه ضربت اقدام مالی، بیانگر این است که در سال ۲۰۱۴ این گروه ۲۰ تا ۴۵ میلیون دلار از طریق باج‌خواهی در قبال آزادی گروگان‌ها به دست آورده است. البته ارزیابی آمار و ارقام دقیق و مقدار درآمد گروه‌های تروریستی از باج‌گیری دشوار است؛ چراکه وجوه باج اغلب توسط شرکت‌های خصوصی و به‌صورت نقدی مبادله می‌شوند (FATF report, 2015: 17).

بیشتر گروه‌های تروریستی از این شیوه استفاده می‌کنند. از همین رو قطعنامه‌های ۲۱۳۳ و ۲۱۷۰ مصوب ۲۰۱۴ شورای امنیت، از تمامی کشورهای عضو خواسته مانع شوند تروریست‌ها به شکل مستقیم یا غیرمستقیم از وجوه باج سود ببرند (S/RES/2133/2014 and S/RES/2170/2014). قطعنامه ۲۱۶۶ مصوب ۲۰۱۴ نیز در خصوص تحریم القاعده بیان می‌دارد در گروگان‌گیری پرداخت مستقیم یا غیرمستقیم به این گروه و گروه‌های وابسته ممنوع است، این محدودیت نه تنها برای پرداخت‌کننده نهایی بلکه برای واسطه‌هایی همچون شرکت‌های بیمه‌ای، مشاوران و هر تسهیل‌کننده‌ای اعمال می‌شود (United Nations S/RES/2166/2014).

۳. قاچاق مواد مخدر: تجارت مواد مخدر مهم‌ترین منبع درآمد گروه‌های تروریستی افغانستان

و پاکستان است. براساس گزارش دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل در سال ۲۰۱۴ بیشتر آمارهای مربوط به سنجش میزان تولید، سطح زیر کشت، میزان صادرات و... نسبت به سال ۲۰۱۳ افزایش داشته است. در سال ۲۰۱۴ تخمین زده می‌شود میزان ۶۴۰۰ تن تریاک تولید شده است که با در نظر گرفتن تولید ۵۵۰۰ تن در سال ۲۰۱۳ افزایش ۱۷ درصد مشاهده می‌شود. کل

مساحت تحت کشت خشخاش در افغانستان ۲۲۴۰۰۰ هکتار برآورد شده که نسبت به سال گذشته آن ۷ درصد گسترش داشته است. براساس همین گزارش ۹۸ درصد مزارع در جنوب، شرق و غرب افغانستان قرار دارد و در مرکز و شمال تنها ۲ درصد این مزارع قرار دارند. اکثر مناطق تحت کشت در اختیار طالبان است و حکومت مرکزی در آنجا قدرت ندارد (UNODC REPORT, 2014).

این آمارها حاکی است که با وجود سیزده سال تلاش ناتو برای مبارزه با تجارت مواد مخدر در افغانستان و صرف میلیون‌ها دلار در این کشور، کشت خشخاش همچنان بالاست، و طالبان نیز با بهره‌برداری از موقعیت افغانستان به‌عنوان تولیدکننده اصلی مواد در این کشور فعالیت می‌کند. این تجارت به حدی با تروریسم گره خورده است که یکی از اشکال تروریسم نارکو تروریسم^۱ نام گرفته که در آن قاچاقچیان مواد مخدر برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های دولت و عدم اجرای قانون دست به اقدامات تروریستی می‌زنند کاستل معاون اجرایی آژانس مبارزه با مواد مخدر آمریکا در سال ۲۰۰۴ گزارش داده که از ۳۶ گروه که به‌عنوان سازمان‌های تروریستی در فهرست وزارت امور خارجه ایالات متحده تعیین شده‌اند، ۱۴ گروه در قاچاق مواد مخدر دست دارند (Dandurand, 2004:12).

۴. قاچاق انسان: قاچاق انسان بعد از مواد مخدر و قاچاق اسلحه به‌عنوان سومین جنایت

بین‌المللی سودآور است (Cherif Bassiouni, 2010: 112). سازمان ملل تخمین می‌زند قاچاق انسان حدود ۵ تا ۷ میلیارد دلار در سال درآمد دارد (Ibid). داعش در نشریه خود تحت عنوان الدابق^۲ به نقش خود در قاچاق انسان به‌ویژه زنان و کودکان افتخار کرده است. این گروه با به راه انداختن بازار بردگان، زنان اقلیت ایزدی (یزیدی) و برخی اقلیت‌های دیگر را به فروش می‌رساند. هر زن ایزدی حداقل به قیمت ۱۵۰ دلار فروخته می‌شود که بعضاً آنها را با سلاح نیز مبادله می‌کنند. این شیوه در گروه‌های تروریستی دیگری همچون الشباب در سومالی و کنیا، گروه بوکو حرام در نیجریه و کامرون نیز استفاده می‌شود. قاچاق انسان به صنعت پیچیده‌ای تبدیل شده است که میلیاردها دلار در هر سال گردش مالی دارد. امروزه تروریسم با قاچاق انسان و جرایم سازمان‌یافته گره خورده است؛ از این رو ریشه‌کن کردن برده‌داری مدرن با اقدامات سنتی امکان‌پذیر نیست (Gonzalez, 2013:4). گروه‌های تروریستی با قاچاق انسان سه هدف تولید درآمد، نمایش قدرت، و کاهش تعداد گروه‌های مخالف را دنبال می‌کنند (Shelley, 2014).

1. Narco-Terrorism
2. Al Dabiq

۵. کمک مالی دولت‌ها و حامیان ثروتمند: برخی دولت‌ها از گروه‌های تروریستی به‌عنوان ابزار

سیاست خارجی و برای تضعیف دشمنان خود استفاده می‌کنند؛ بی‌شک این رابطه تا زمانی ادامه پیدا خواهد کرد که اهداف دولت حمایت‌کننده و گروه‌های حمایت‌شونده تأمین شود (صنوبر، ۱۳۹۳: ۱۲۰).

جدای از دولت‌ها که با مقاصد سیاسی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به گروه‌های تروریستی کمک می‌رسانند، اشخاص نیز با مقاصد عقیدتی و اجتماعی کمک‌های شایان توجهی به گروه‌های تروریستی اهدا می‌کنند. بسیاری از ثروتمندان و شیوخ عرب همواره با دست‌ودلبازی کمک‌های مالی زیادی به گروه‌های تروریستی؛ که به‌زعم آنها در زمینه برپا کردن احکام اسلامی فعالیت دارند، اهدا می‌کنند. براساس آمار خزانه‌داری آمریکا از اوایل سال ۲۰۱۲، رهبران ارشد القاعده در پاکستان میلیون‌ها دلار از اهداکنندگان ثروتمند که اکثریت آنها در کشورهای حاشیه خلیج همچون قطر و کویت بودند، دریافت کرده است.^۱ براساس گزارش تروریسم سال ۲۰۱۳ سازمان ملل همچنان مبالغ اهداشده توسط ثروتمندان حاشیه خلیج منبعی برای تأمین مالی گروه‌های تروریستی فعال در سوریه است (UN REPORT, 2014).

نکته شایان تأمل این است که در فهرست وزارت امور خارجه آمریکا تنها از سه کشور ایران، سودان و سوریه به‌عنوان حامیان مالی تروریسم نام برده شده و صحبتی از کشورهای حاشیه خلیج فارس نشده است.^۲ شایان ذکر است کشورهای کره شمالی، یمن جنوبی، عراق، لیبی و کوبا نیز در سال‌های گذشته در این فهرست قرار داشتند که هم‌اکنون از این فهرست حذف شده‌اند.

۶. جمع‌آوری کمک از طریق خیریه‌ها و مؤسسات غیرانتفاعی: شبکه‌های تروریستی

اغلب از سازمان‌های خیریه در مناطق پرخطر و کمتر توسعه‌یافته دنیا برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند. این گروه‌ها با پوشش امور خیریه در این مناطق اقدام به جذب منابع مالی و نیروی انسانی می‌کنند (8: 2008, FATF, TERRORIST FINANCING).

خیریه و سازمان‌های غیرانتفاعی ویژگی‌هایی دارند که این نهادها را در مقابل سوء استفاده برای تأمین مالی تروریستی؛ و جذاب برای تروریست‌ها آسیب‌پذیر کرده است. سازمان‌های تروریستی از اعتماد مردم به این خیریه‌ها، به‌منظور جمع‌آوری کمک‌ها که اغلب آنها نقدی است، سوء استفاده می‌کنند. علاوه بر این برخی از این خیریه‌ها فعالیت‌های جهانی دارند و همین مسئله به گروه‌های تروریستی کمک می‌کند که با سوء استفاده از این ساختار، از طریق شعبه‌های مستقر در کشورهای مختلف پول‌ها را به مناطق نزدیک به تروریست‌ها منتقل کنند. مضافاً اینکه سازمان‌های خیریه در معرض الزامات قانونی بسیار سبک‌تری نسبت به مؤسسات مالی یا شرکت‌های تجاری در هر

1. <http://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/j12308.aspx>

2. <http://www.state.gov/j/ct/list/c14151.htm>

زمینه‌ای اعم از اخذ گواهی‌نامه‌های لازم، نظارت بر هیأت امناء و کارکنان، ارائه گزارش به مراجع قانونی و... مواجه‌اند (Ibid: p. 11).

براساس گزارش دولت ایالات متحده در سال ۱۹۹۶ (البته گزارش از سوی مجله وال استریت به CIA نسبت داده شده بود)، تقریباً یک سوم سازمان‌های مردم‌نهاد اسلامی از گروه‌های تروریستی حمایت می‌کنند یا افرادی را استخدام می‌کنند که مظنون به داشتن ارتباط با تروریست‌ها هستند. گزارش نهایی کمیسیون ۹/۱۱ کنگره‌ای ایالات متحده نتیجه گرفت که مؤسسات خیریه، سرپوشی فراهم کرده‌اند که موجب می‌شود اعضای القاعده به صورت نامعلوم مسافرت کنند. همچنین این مؤسسات این امکان را فراهم کرده‌اند که القاعده بتواند بودجه مالی خود را در هر جایی که عملیات آغاز می‌کند، از این طریق به آن ناحیه منتقل کند (F. Kohlmann, 2006: 6).

در عین حال، سازمان‌های مردم‌نهاد اسلامی در اروپا و آمریکای شمالی، نقش دیگری در آموزش نسل‌های جدید جهادگران بین‌المللی ایفا می‌کنند. مجمع جهانی جوانان مسلمان (WAMY)^۱ نمونه بارزی از مؤسسات خیریه سعودی است که به پشتیبانی از گروه القاعده طی دو دهه اخیر کمک کرده است. مجمع جهانی جوانان مسلمان به تأمین مالی پروژه‌های «خیرخواهانه» در نقاط مختلف جهان می‌پردازد، برای نمونه این مؤسسه در کشور عراق (برای جلب جوانان اهل تسنن)، در سال ۲۰۰۴ بالغ بر ۲۰۰/۰۰۰ دلار هزینه کرده است (F. Kohlmann, 2006: 9).

برخی از این مؤسسات نیز با عناوین بشردوستانه فعالیت می‌کنند؛ سازمان بین‌المللی بشردوستانه (IHH)^۲، مؤسسه‌ای در ترکیه است که برای حقوق بشر، آزادی و رفاه انسانی فعالیت می‌کند. در سال ۲۰۰۳ نقش کلیدی این مؤسسه در انتشار عقاید افراطی مذهبی مشخص شد. جالب اینجاست که سازمان‌هایی مانند (IHH) به بلایای طبیعی و دیگر بلایای حادث شده سریعاً واکنش نشان می‌دهند. متأسفانه، این گروه‌ها اغلب به دنبال استفاده از این موقعیت‌ها هستند تا بر این آوارگان مسلمان نیازمند نفوذ کنند. در آگوست ۱۹۹۹، زمانی که زلزله مهیبی در ترکیه رخ داد، سازمان مذکور حتی در برخی مکان‌ها، قبل از دولت به مناطق زلزله‌زده رسید (Ibid:16).

۷. جمع‌آوری کمک در فضای مجازی و رسانه‌ها: گروه‌های تروریستی امروزه به‌نحو عالی از فضای مجازی و رسانه‌ها برای تبیین ایدئولوژی خود بهره می‌برند. این گروه‌ها با دستکاری در فیلم‌های ویدئویی منتشره، از ابزار رسانه‌های جمعی برای تبلیغ خشونت، بمب‌گذاری انتحاری و کشتن غیرنظامیان بی‌گناه استفاده می‌کنند. برای نمونه داعش یک بازوی تبلیغاتی به نام الاعتصام^۳ برای تولیدات رسانه‌ای تأسیس کرده و از شبکه‌های مختلف مانند الحیات^۴ برای پخش تولیدات آنها

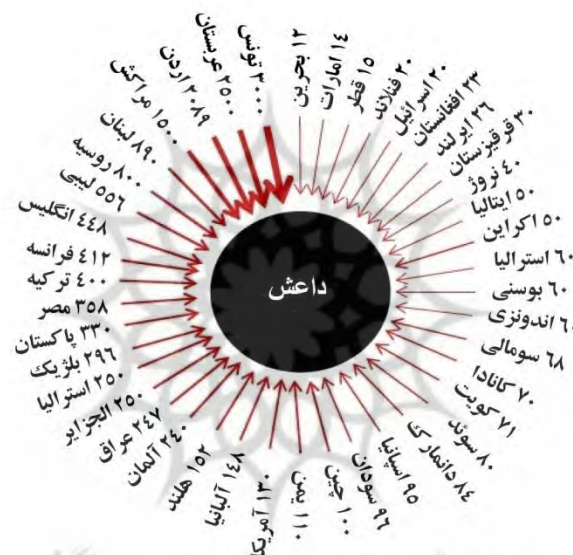
1. World Assembly of Muslim Youth
2. Internationale Humanitäre Hilfsorganisation e.V.
3. Al-Itisam
4. Al Hayat

و به‌طور خاص بازی با احساسات مردم منطقه استفاده می‌کند (Gertz, 2015). مرکز رسانه‌ای الحیات عمدتاً در تبلیغات داعش از طریق رسانه‌های اجتماعی متمرکز شده و صدها حساب کاربری در شبکه‌های اجتماعی ساخته است. از طریق این حساب‌ها داعش توانست یک «توفان توئییتی»^۱ در شبکه اجتماعی توئیتر ایجاد کند. این توفان بیانگر محبوبیت در شبکه اجتماعی است و فرصت بالقوه‌ای را برای جلب حمایت‌های مادی و معنوی برای این گروه فراهم آورد (Carter & Maher, 2015). توسعه یک کمپین توئیتر مانند #AlleyesonISIS و ارائه نرم‌افزار تلفن همراه گوشی‌های اندروید رایگان برای دانلود عمومی نشانه‌های استفاده رو به رشد این گروه تروریستی از شبکه مجازی است. این گروه‌ها در شبکه‌های اجتماعی با ترفندهای مختلفی اقدام به جمع‌آوری کمک مالی می‌کنند. برای نمونه با قرار دادن تصاویر سلاح‌های مختلف مبلغ لازم برای خرید آن را اعلام می‌کنند و این‌گونه تبلیغ می‌شود که با پرداخت این مبلغ شما با این سلاح علیه بشار اسد در سوریه به‌صورت غیرحضور می‌جنگید یا با اعلام قیمت هر فشنگ تبلیغ می‌کنند، با پرداخت پول هر فشنگ شما در کشتن یک مشرک شیعی نقش دارید و برای پرداخت هر مبلغ مدال افتخار مجازی می‌دهند، برای مثال با پرداخت ۱۰۰ دلار شما مدال طلا می‌گیرید (Warrick, 2013).

۸. کسب‌وکار مشروع: از درآمدهای حاصل از فعالیت‌های مشروع مانند شرکت‌های بازرگانی - خدماتی، می‌توان برای تأمین بودجه فعالیت‌های تروریستی استفاده کرد. این گروه‌ها معمولاً در مشاغلی که پول نقد فراوان در آن گردش می‌کند و به‌صورت فاکتور نیاز ندارد، مانند رستوران‌ها، کازینوها و... فعالیت می‌کنند. برای نمونه در پرونده‌ای چک‌های زیادی توسط شرکت الف (شرکت پالت‌های چوبی) از حساب یک مدیر رستوران وصول شده بود. بانکی که حساب در آن بوده به‌دلیل تناقض حرفه شرکت الف و ماهیت کسب‌وکار مدیر رستوران مشکوک شده و به واحد اطلاعات مالی گزارش کرده است. تجزیه و تحلیل واحد اطلاعات مالی فرانسه نشان داد که متهمان پرونده با جنبش‌های سلفی در ارتباط بودند، و پرونده برای تحقیقات گسترده‌تر به دادستان ارجاع داده شد (TERRORIST FINANCING (FATF), 2008:13).

۹. حمایت از طریق جنگجویان خارجی: براساس اطلاعات دولت ایالات متحده، در ۳۱ دسامبر ۲۰۱۴، حداقل نوزده هزار جنگجوی خارجی از بیش از نود کشور جهان، به‌قصد مبارزه در سوریه و عراق کشورشان را ترک کرده و به داعش ملحق شده‌اند. گذشته از اهمیت این تعداد نیروی انسانی در جنگ، داعش از آنها به‌عنوان منبعی برای تأمین مالی و نقل و انتقال پول از سرتاسر جهان استفاده می‌کند (FATF REPORT, 2015:22).

این افراد با استفاده از شیوه‌های: الف) مزایای اجتماعی پرداختی دولت، از بیکاری تا کمک‌هزینه خانواده؛ ب) دریافت وام‌های مصرفی و عدم پرداخت آن؛ ج) کمک‌های مالی توسط خانواده‌ها، دوستان و حامیان؛ د) درآمد حاصل از سرقت و قاچاق مواد مخدر؛ پول مورد نیاز را تأمین می‌کنند. جنگجویان خارجی این پول‌ها را از خودپردازهای نزدیک مناطق عملیاتی داعش که به سیستم بانکی جهانی متصل‌اند، با استفاده از کارت‌های بانکی خود دریافت می‌کنند. شکل زیر جزئیات مربوط به تعداد نیروهای خارجی (براساس کشورهای تشکیل‌دهنده) را که به داعش ملحق شده‌اند، نشان می‌دهد (Miller, G. 2014).



ج) جنایات سازمان یافته به عنوان یکی از اصلی‌ترین منابع در الگوی جدید

در دهه گذشته شاهد کاهش چشمگیری در تأمین‌کنندگان مالی تروریست‌ها در سراسر جهان بودیم. یکی از عواقب این امر این بود که سازمان‌های تروریستی مجبور شدند سرمایه مالی خود را از طریق فعالیت‌های جنایت کارانه تضمین کنند. روند همگرایی (تروریسم و جنایت) در مشارکت مستقیم این سازمان‌ها در فعالیت‌های خاص جرایم سازمان یافته متبلور شده است؛ به خصوص مشارکت آنها در قاچاق اسلحه، مهمات، مواد منفجره، مواد مخدر، الکل، تنباکو و قاچاق چوب و سایر کالاهای مصرفی، همچنین مشارکت در جرایم اقتصادی و پول شویی، چنین فعالیت‌هایی سرمایه‌های عظیمی را برای پشتیبانی لجستیکی از فعالیت‌های تروریستی فراهم می‌کند (Marin, 2011:6).

در بررسی نقاط جغرافیایی که جنبش‌های تروریستی فعال‌اند و نقاط جغرافیایی که جرایم سازمان‌یافته مانند قاچاق مواد مخدر، انسان و اسلحه انجام می‌گیرد، گویای رابطه بین این دو پدیده است. نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا (فارک^۱) در بخش‌های تولید کوکائین بنیانگذاری شده‌اند؛ جنگ‌های داخلی آفریقا در بخش‌هایی اتفاق می‌افتد که در آنها سنگ‌های قیمتی و ثروت‌های طبیعی دیگری استخراج می‌شوند؛ سربازان و نیروهای القاعده در افغانستان و شورشیان خمرسرخ^۲ در میانمار اقدامات مسلحانه خود را در بخش‌های بزرگ تولید تریاک بر پا می‌دارند (Thony, 2002: 4).

بنابراین الگوی تأمین مالی در گروه‌های تروریستی تغییر یافته است. در بیشتر گروه‌ها سرمایه اغلب توسط افزایش فعالیت‌های جنایی مانند آدم‌ربایی برای دریافت خون‌بها تأمین می‌شود. القاعده فعال در غرب آفریقا (مغرب) صدها هزار یورو از طریق آدم‌ربایی خارجی و تقاضای خون‌بها برای تحویل امن گروگان‌ها به‌دست آورده است. بوکو حرام از بانک‌های بسیاری سرقت کرده و ماشین‌ربایی‌های زیادی داشته است. گروه سومالیایی الشباب از راه‌هایی مانند مالیات‌گیری از تجار بومی، گرفتن عوارض از جاده‌های تحت نظارتشان، شرکت در تجارت زغال چوب و عملیات دزدی در بندر کیزماریو مرکز اصلی واردات و صادرات از جنوب سومالی درآمدهای شایان توجهی به‌دست آورده است (Muhyadin, 2010: 36).

دزدی‌های دریایی واقع در خطوط حمل‌ونقل نیجریه، سومالی، اندونزی و بنگلادش، ترکیبی از تروریسم و جرایم سازمان‌یافته‌اند. سردمداران این گروه‌ها که داعیه‌دار اسلام‌اند، براساس فتاوی سست خود اجازه حمله به کشتی‌ها را صادر می‌کنند. برای نمونه گروه چریکی ابوسیف که در جنوب فیلیپین فعالیت می‌کند، تحت تأثیر همین تفکر به کشتی‌های اروپایی حمله می‌کند و از آنها باج می‌گیرد. حال تصور کنید اگر این گروه‌ها در کانال‌های مهم تجارت جهان و خطوط حمل‌ونقل دریایی مانند کانال سوئز، پاناما و تنگه مالاگا حضور پیدا کرده و به نفت‌کش‌ها حمله کنند، چه اتفاقی می‌افتد، بی‌شک اختلال عمده در تجارت جهانی ایجاد می‌شود (Sanderson, 2004: 58).

بررسی محل استقرار گروه‌های تروریستی بیانگر این مطلب است که بین ضعف دولت و به تبع آن فقدان حاکمیت قانون و رشد گروه‌های تروریستی رابطه مستقیمی وجود دارد. این گروه‌ها در مناطقی مانند افغانستان، سومالی، عراق، کلمبیا، کوزوو و مناطقی دیگری از جهان که دولت مرکزی قدرت کنترل آن منطقه را ندارد، گسترش یافته‌اند. این گروه‌ها در این مناطق با توسل به جنایات سازمان‌یافته علاوه بر تحت فشار قرار دادن دولت مرکزی کسب درآمد هم می‌کنند. برای نمونه سازمان کمونیستی چریکی فارک در کلمبیا ۳۵ تا ۴۰ درصد از این کشور را تحت تسلط خود دارد و با جنایات سازمان‌یافته به‌ویژه قاچاق مواد مخدر درآمدهای شایان توجهی نیز کسب می‌کند (Sanderson, 2004: 51).

1. Farc

2. Khmers rouges

چ) رابطه بین تأمین مالی تروریسم و جنایات سازمان یافته

اصطلاح جرایم سازمان یافته ابتدا در نوشته‌های جرم‌شناسی مطرح شد. این اصطلاح نخستین بار در سال ۱۹۲۴ توسط یک جرم‌شناس آمریکایی به نام ادوین ساترلند مطرح شد (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۰: ۲). تعریف‌های زیادی از جرم سازمان یافته ارائه شده است. در این مقاله فرصتی برای بیان تعاریف و نقد آنها نداریم. از این رو یکی از جامع‌ترین تعاریف ارائه شده بیان می‌شود: «جرم سازمان یافته عبارت از فعالیت‌های غیرقانونی و هماهنگ گروهی منسجم از اشخاص است که با تبانی با هم و برای تحصیل منافع مادی و قدرت، به ارتکاب مستمر مجرمانه شدید می‌پردازند و برای رسیدن به هدف از هر نوع ابزار مجرمانه نیز استفاده می‌کنند» (شمس ناتری، ۱۳۸۰: ۱۳).

اوصاف جرایم سازمان یافته عبارت‌اند از: ۱. همکاری بیش از دو نفر؛ ۲. وجود سلسله‌مراتب در سازمان؛ ۳. استمرار جرم در طول زمان؛ ۴. به‌کارگیری خشونت برای ارباب و تهدید؛ ۵. ارتکاب جرایم برای کسب منافع اقتصادی؛ ولیکن برای کسب آن به قدرت سیاسی و اقتصادی نیازمندند؛ ۶. غیر ایدئولوژیک بودن سازمان؛ و ۷. گسترش فساد اداری و بهره‌گیری از آن (شمس ناتری، ۱۳۸۳: ۳). در زمینه تأمین مالی تروریسم و ارتباط آن با جرایم سازمان یافته در اسناد بین‌المللی صحبتی به میان نیامده است، ولیکن در خصوص پول‌شویی در برخی اسناد مانند پالمو با عنایت به ویژگی فراملی و سازمان یافته بودن این جرم و اینکه در بسیاری از موارد پول‌شویی نتیجه جرایم سازمان یافته می‌باشد، بحث شده است.

تروریسم نیز با جرایم سازمان یافته وجوه اشتراک زیادی دارد. وجوه تشابهی مانند: ۱. هر دو پدیده فراملی‌اند؛ ۲. هر دو توسط سازمان و با برنامه‌ریزی صورت می‌گیرد؛ ۳. هر دو گروه معمولاً از رفتارهای خشونت‌آمیز برای ارباب استفاده می‌کنند؛ ۴. هر دو گروه از شیوه‌ها و روش‌های مشابه برای تأمین مالی سازمان استفاده می‌کنند؛ ۵. تروریسم و جرم سازمان یافته ماهیت مستقل و بالذاتی ندارند، بلکه روش و طریق خاص ارتکاب جرایم عمومی به آنها، ویژگی تروریستی یا سازمان یافته بودن را می‌دهد؛ ۶. ترک گروه در هر دو برای یک عضو نادر و اغلب کشنده است (Sanderson, 2004: 53). از سوی دیگر نمی‌توان تروریسم را جرم سازمان یافته دانست؛ به‌دلیل تفاوت‌هایی که دارند. وجوه افتراقی مانند: ۱. جرم سازمان یافته با انگیزه سودجویی صورت می‌گیرد، ولی اقدامات تروریستی با انگیزه‌های سیاسی یا ایدئولوژیک ارتکاب می‌یابند؛ ۲. سازمان‌های تروریستی به‌دنبال سرنگونی دولت موجودند، درحالی‌که گروه‌های جرم سازمان یافته عموماً به‌دنبال کار کردن در یک نظام اجتماعی خاص برای تداوم بخشیدن به فعالیت‌های خود هستند؛ ۳. تروریست‌ها اغلب تمایل دارند اقدامات آنها بازتاب رسانه‌ای داشته باشد، درحالی‌که گروه‌های جرم سازمان یافته از این امر اجتناب می‌ورزند؛ ۴. تروریسم همواره با خشونت و اعمال خرابکارانه آشکار همراه است، لیکن جنایات سازمان یافته غالباً از ابزار خشونت به‌صورت غیرآشکار، آن هم در موارد ضروری استفاده می‌کنند؛ ۵. با توجه به اینکه هدف و انگیزه گروه‌های تروریستی، سیاسی و ایدئولوژیک است، اغلب به‌دنبال تبلیغات و جلب افکار عمومی برای حمایت هستند، ولی گروه‌های

جرم سازمان یافته به چنین حمایتی نیاز ندارند، بلکه با نفوذ در سیستم اداری با گسترش فساد اداری همکاری مسئولان را جلب می کنند (حکیمی ها، ۱۳۸۴: ۶۱).

تأمین مالی تروریسم از یک سو جزو جرایم وابسته به تروریسم است و توسط حامیان تروریسم و خود گروه های تروریستی انجام می گیرد، از سوی دیگر به دلیل شباهت در شیوه ها و اهداف در اسناد بین المللی و قوانین بسیاری از کشورها همراه با جرم پول شویی مطرح می شود. حال سؤال این است با عنایت به اینکه جرم پول شویی در زمره جرایم سازمان یافته محسوب می شود، ولی تروریسم با وجود شباهت های زیاد با جرایم سازمان یافته، زیرمجموعه این عنوان نیست؛ تکلیف تأمین مالی تروریسم چیست؟ در پاسخ باید گفت که انگیزه و داعی ارتکاب جرم در این دو با هم متفاوت است، جرم سازمان یافته با انگیزه سودجویی صورت می گیرد، ولی تأمین مالی تروریسم با انگیزه سیاسی یا ایدئولوژیک ارتکاب می یابد. از این رو با وجود شباهت های زیاد، نمی توان جرم حمایت مالی از تروریسم را زیرمجموعه جرایم سازمان یافته دانست. بر این اساس اسناد بین المللی در خصوص جنایات سازمان یافته مانند کنوانسیون پالمو را نمی توان به این جرم تسری داد، ولیکن به دلیل شباهت های زیاد باید از راهکارهای پیشنهادی در آن اسناد برای پیشگیری و مقابله با این جرم نیز بهره برد.

ح) رویکرد شورای امنیت در قبال تحول الگوی تأمین مالی

رویکرد سازمان ملل در مقابله با حمایت مالی تروریسم از اولویت اعمال نظارت بر بانک ها و مؤسسات مالی به سمت تحریم گروه های تروریستی به ویژه در مباحث تجاری تغییر کرده است. دبیر کل سازمان ملل در نشست ۱۷ دسامبر ۲۰۱۵ شورای امنیت که به صدور قطعنامه ۲۲۵۳ منجر شد، بیان کرد: «هم زمان با تلاش گروه های تروریستی برای گسترش و نوآوری در اقدامات شنیع خود، جامعه بین المللی نیز باید عملکرد مناسب و قابل قبولی در مبارزه با پول شویی و تأمین مالی تروریسم داشته باشد» (Un/SC/12168, 2015).

در دو سال اخیر شورای امنیت ده قطعنامه برای مقابله با تأمین مالی تروریسم صادر کرده است. این تعداد قطعنامه بیانگر اهمیت و جایگاه مقابله با تأمین مالی تروریسم در میان شیوه های مقابله با تروریسم است. با بررسی این قطعنامه ها که عبارت اند از: ۲۱۳۳ (۲۰۱۴)، ۲۱۶۰ (۲۰۱۴)، ۲۱۶۱ (۲۰۱۴)، ۲۱۷۰ (۲۰۱۴)، ۲۱۷۸ (۲۰۱۴)، ۲۱۹۵ (۲۰۱۴)، ۲۱۹۹ (۲۰۱۵)، ۲۲۱۴ (۲۰۱۵)، ۲۲۴۹ (۲۰۱۵) و ۲۲۵۳ (۲۰۱۵)؛ می توان به اهتمام شورای امنیت برای تطابق قطعنامه های صادره با تغییر الگوی تأمین مالی تروریسم پی برد.

در قطعنامه های دو سال اخیر با محور قرار گرفتن گروه تروریستی داعش دیگر صحبت از حمایت مالی کم رنگ شده و این قطعنامه ها می کوشند منابع مالی جدید این گروه ها را که عبارت اند از تجارت مواد معدنی و فسیلی، قاچاق آثار باستانی و فرهنگی، پرداخت خون بها برای گروهان گیری، اخذ مالیات بر مناطق تحت اشغال، فروش محصولات کارخانه های سیمان، فسفات و غیره و.. فروش محصولات کشاورزی، قاچاق مواد مخدر و قاچاق انسان، محدود یا مسدود کنند.

قطعنامه‌های ۲۱۶۰ و ۲۱۶۱ مصوب ۲۰۱۴ به ارتباط قوی میان تروریسم و جنایات سازمان یافته از جمله قاچاق مواد مخدر اشاره کرده و به تهدیدهایی که این اقدامات برای مردم محلی، از جمله کودکان، نیروهای امنیت ملی و بین‌المللی ایجاد می‌کند، می‌پردازند. این قطعنامه‌ها بر ضرورت استفاده از پتانسیل سایر نهادهای سازمان ملل برای مقابله با همکاری بین‌سندیکاهای جرایم سازمان یافته و گروه‌های تروریستی، به‌ویژه در خصوص گروگان‌گیری برای گرفتن باج، تجارت مواد مخدر و بهره‌برداری غیرقانونی از منابع طبیعی در افغانستان، از جمله سنگ‌های قیمتی و نیمه‌قیمتی و قاچاق و فروش آن به افراد و گروه‌ها تأکید دارند (S/RES/2160, 2014) (S/RES/2161, 2014).

شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۲۱۹۹ در فوریه ۲۰۱۵ ضمن تأکید مجدد بر تحریم‌ها به‌عنوان ابزار بسیار مهم در جنگ علیه تروریسم و بازگرداندن صلح و امنیت بین‌المللی؛ از اینکه مناطق نفت‌خیز و زیرساخت‌های مربوط به آن و همچنین سایر زیرساخت‌ها مثل سدها و مراکز تولید برق توسط داعش، جبهه النصره و سایر گروه‌های وابسته به القاعده کنترل شده و هم‌اکنون قسمت مهمی از درآمد این گروه‌ها را تأمین می‌کند، ابراز نگرانی عمیق می‌کند. همچنین بیان می‌کند با آنکه مبالغ اهداشده خارجی هنوز از منابع درآمدی گروه‌های تروریستی است ولیکن سهم سایر منابع درآمدی مانند تجارت نفت، قاچاق میراث باستانی و منابع طبیعی، دریافت باج از طریق گروگان‌گیری، ربایش زنان و کودکان و استثمار و سوء استفاده از آنها به‌طور گسترده، قاچاق انسان، افزایش یافته است (S/RES/2199, 2015).

قطعنامه ۲۲۵۳ به‌عنوان آخرین قطعنامه شورای امنیت در این موضوع، در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۵ تصویب شد. این قطعنامه تحریم‌های قطعنامه ۱۲۶۷ (۱۹۸۹) را به داعش تسری داد. بر این اساس کمیته تحریم‌ها بعد از این فهرست تحریم‌های القاعده و داعش را منتشر خواهند کرد. براساس این قطعنامه جامعه جهانی برای مقابله با اقتصاد تروریستی باید متحد شود. این قطعنامه هر گونه اشتغال به تجارت مستقیم و غیرمستقیم با گروه‌های تروریستی به‌خصوص نفت و فراورده‌های نفتی را از موجبات قرار گرفتن در فهرست تحریم‌ها اعلام می‌کند. قطعنامه مذکور پیشنهاد می‌کند توصیه‌های ۵ و ۶ از مجموعه توصیه‌های چهل‌گانه گروه ویژه اقدامی مالی به‌نحوی اصلاح شوند که توانایی مقابله با اقتصاد تروریسم را با ابزارهایی همچون تحریم‌های هدفمند اعم از تحریم مالی، تحریم سفر و تحریم سلاح مهیا کنند (S/RES/2253, 2015).

خ) ارزیابی سیاست جنایی ایران در خصوص مقابله با تأمین مالی تروریسم

ایران همواره به‌دلیل ابهام تعریف تروریسم در اسناد بین‌المللی، و سوء استفاده قدرت‌های بزرگ از این مفهوم برای سرکوب جنبش‌های آزادی‌بخش مورد حمایت ایران، تلاش کرده است با عناوین سنتی حقوق کیفری به مبارزه با این پدیده بپردازد. از این‌رو در حقوق داخلی ما تاکنون تروریسم را به‌صورت مستقل جرم‌انگاری نکرده‌ایم.

از میان ۱۳ کنوانسیون بین‌المللی علیه تروریسم نیز ایران با وجود الحاق به شش مورد از آنها هنوز به کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم نپیوسته است. با این وجود تحت فشارهای بین‌المللی و در راستای رفع محدودیت‌های ایجادشده برای نظام بانکی، در سال ۱۳۸۹ لایحه‌ای از سوی دولت با عنوان لایحه مبارزه با تأمین مالی تروریسم به مجلس تقدیم شد، که این لایحه پس از چند نوبت اصلاح سرانجام در تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۳ به تصویب مجلس و در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۳ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

واقعیت امر این است که ایران با وجود تصویب قانون مبارزه با پول‌شویی و اجرای تدابیر نظارتی بر سیستم بانکی همواره به دلیل عدم جرم‌انگاری مستقل تأمین مالی تروریسم، در فهرست کشورهای پرخطر برای سرمایه‌گذاری از سوی نهادهای مالی معرفی شده و بعضاً تحریم شده است.^۱ از این رو این قانون یک اقدام واکنشی در مقابله تحریم‌ها بوده و با محوریت وزارت اقتصاد و بانک مرکزی تهیه شده است.^۲ بر همین اساس تأمین مالی تروریسم همانند پولشویی با فشار و پی‌گیری نهادهای اقتصادی به موضوع حقوق کیفری ایران تبدیل شده است.

شاید بتوان گفت در ایران سیاست جنایی اجرایی در خصوص پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم بسیار پیشروتر از سیاست جنایی تقنینی و قضایی است. این پیشرو بودن در حدی است که قانون مبارزه با پول‌شویی هیچ صحبتی از تأمین مالی تروریسم نمی‌کند، ولی آیین‌نامه پول‌شویی و تمامی دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های صادره در خصوص پول‌شویی به تأمین مالی تروریسم اشاره می‌کنند. سؤالی که به ذهن متبادر می‌شود این است که چگونه بدون جرم‌انگاری مستقل تروریسم و عدم شمول برخی از اقدامات تروریستی در عناوین مجرمانه سنتی حقوق کیفری ایران، تأمین مالی تروریسم را جرم‌انگاری می‌کنیم؟ چگونه لایحه تروریسم را که در تاریخ ۱۳۸۲/۹/۱۵ توسط دولت به مجلس تقدیم شد، به بوتۀ فراموشی می‌سپاریم ولی قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم را تصویب می‌کنیم؟

از نظر نگارنده مقابله با تأمین مالی تروریسم بخشی از تلاش جامع‌تری است که برای مقابله با تروریسم صورت می‌پذیرد. از این رو نیازمند تصویب قانون مقابله با تروریسم هستیم که تأمین مالی تروریسم نیز به عنوان یکی از شیوه‌های مهم مقابله با تروریسم در آن گنجانده شود. اعمال روش‌های پیشگیری و مقابله با پول‌شویی برای این موضوع در کشورهایی که قانون مستقل مقابله با تروریسم ندارند، تأسیس نظام ناقص مقابله با تأمین مالی تروریسم است. مضافاً

۱. در سایت وزارت امور خارجه آمریکا ایران در صدر فهرست کشورهای حامی مالی تروریسم قرار دارد. همچنین گروه اقدام مالی چندین سال متوالی ایران را در صدر فهرست کشورهای پرخطر از نظر تأمین مالی تروریسم معرفی می‌کند برای مشاهده ر.ک:

<http://www.state.gov/j/ct/list/c14151.htm>

<http://www.fatf-gafi.org/publications/high-riskandnon-cooperativejurisdictions>

۲. برای مطالعه اخبار مربوطه ر.ک: <http://www.mefa.ir>

اینکه تطبیق راهکارهای مقابله با پول‌شویی برای تأمین مالی تروریسم در خصوص کشورهای که گروه‌های تروریستی در نزدیکی آنها نیستند و اجرای عملیات تروریستی در آنها نیازمند انتقال منابع از سیستم‌های مالی می‌باشد، راهکار مناسبی است، ولی برای کشوری مانند ایران که در مجاورت کشورهایی قرار دارد که مأمین تروریست‌ها هستند، باید به راهکارهای ارائه‌شده در خصوص مقابله با جرایم سازمان‌یافته نیز توجه شود.

در این قانون تمرکز بر مقابله با حمایت مالی از تروریسم است و دیگر اشکال تأمین مالی تروریسم مورد توجه قانونگذار قرار نگرفته است. همان‌گونه که بیان شد امروزه بحث اقتصاد تروریسم مطرح است و گروه‌های تروریستی به سمت تأمین منابع مالی از روش‌هایی غیر از کمک‌های مالی روی آورده‌اند. شورای امنیت نیز به تبع این تغییرات، تحریم تمامی اشکال دادوستد و مبادلات مالی با گروه‌های تروریستی به صورت مستقیم و غیرمستقیم را در دستور کار خود قرار داده است. بر این اساس شایسته است قانونگذار با این نگاه قانون را مورد بازنگری قرار دهد.^۱

نتیجه‌گیری

از آنجا که اقدامات تروریستی با توجه به هزینه‌های بالای خود نیازمند کمک‌های مالی‌اند، حمایت مالی از این اقدامات یا تأمین مالی آن، با یک هدف پیشگیرانه، در زمره اقدامات خاص جامعه بین‌المللی برای مقابله با تروریسم مورد توجه قرار گرفته؛ زیرا جامعه بین‌المللی به تجربه دریافته است که ریشه اصلی استمرار تروریسم در منابع مالی آن است، به‌گونه‌ای که تا زمانی که منابع مالی تروریسم خشکانده نشود، مسئله تروریسم به راحتی قابل سرکوب و مقابله نخواهد بود. از سوی دیگر برای ردیابی تروریست‌ها در عملیاتی که انجام می‌دهند یا قصد انجام آن را دارند، یکی از بهترین روش‌ها ردیابی حساب‌های مالی است، چراکه ردیابی پول، همانند اثر انگشت مالی است.

نکته حائز اهمیت در بیشتر اسناد بین‌المللی عجین بودن قوانین و اقدامات پیشگیرانه در خصوص تأمین مالی تروریسم با پول‌شویی است. این رویکرد جامعه جهانی بعد از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر آمریکا شکل گرفت. چراکه مطرح‌ترین گروه تروریستی در آن سال‌ها گروه القاعده بود که بررسی‌ها نشان می‌داد بخش مهمی از منابع مالی خود را از طریق حامیان خارجی خود کسب می‌کند. مستندسازی جریان وجوه و اعمال تدابیر ضد پول‌شویی برای قطع خطوط حمایتی این گروه و گروه‌های دیگر کارآمد بود، از این رو این روش الگوی مناسبی برای مقابله با تأمین مالی به‌نظر می‌رسید.

۱. برای مطالعه "قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم"، ر.ک: <http://www.rnk.ir>

پس از حملات ۱۱ سپتامبر و توجه جامعه جهانی به مسئله مبارزه با شبکه‌های تروریستی، وضعیت به‌گونه‌ای رقم خورد که بیشتر بانکداران، مدیران مؤسسات مالی، حساب‌برسان و بسیاری از بخش‌های دیگر بازار مالی در همه جای دنیا ملزم به رعایت قواعد مبارزه با تأمین مالی تروریسم شدند. هزینه‌های مرتبط با قوانین و مقررات ضد تروریستی برای بانک‌ها و مؤسسات مالی بسیار سنگین است.

آمارهای ارائه‌شده توسط مؤسسات و نهادهای بین‌المللی حاکی از آن است که تروریسم و صدمات ناشی از آن از سال ۲۰۰۱ تاکنون نه تنها کاهش نداشته، بلکه سال ۲۰۱۴ خونین‌ترین سال برای قربانیان تروریسم بوده است. دقت در نقشه‌های محل استقرار و فعالیت گروه‌های تروریستی و آمار کشته‌شدگان تروریسم نشان می‌دهد که خطر تروریسم برای کشورهای غربی از سال ۲۰۰۱ کمتر شده است. رویکرد جامعه جهانی در مقابله با تأمین مالی تروریسم سبب شده که حملات گروه‌های تروریستی در کشورهای اروپایی و آمریکا کاهش یابد؛ چراکه امکان انتقال منابع مالی و اجرای عملیات در آن کشورها بسیار سخت شده است. در عوض تروریسم در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا فعال‌تر از گذشته شده است.

بررسی نقاط جغرافیایی که جنبش‌های تروریستی در آنجا فعال‌اند، گویای آن است که این گروه‌ها اغلب در مکان‌هایی مستقرند که در آنها دولت اقتدار و تسلط لازم بر قلمرو حکومت خود را ندارد. در این مکان‌ها گروه‌های تروریستی یک حکومت محلی تشکیل می‌دهند و عمده منابع مالی خود را نیز با استفاده از منابع تحت تسلط خود و یا بهره‌گیری از توان منطقه‌ای ایجادشده به‌دست می‌آورند.

جدای از تفاوت‌هایی که بین تروریسم و جنایات سازمان‌یافته وجود دارد، بررسی شیوه‌های تأمین منابع مالی توسط گروه‌های تروریستی حاکی از این است که این گروه‌ها برای تحقق بودجه خود به سمت جرایم سازمان‌یافته سوق پیدا کرده‌اند. گروه‌هایی مانند داعش در عراق و سوریه، فارک در کلمبیا، بوکو حرام در نیجریه، ابوسیاف در فیلیپین، الشباب در سومالی، طالبان در افغانستان و خمر سرخ در میانمار بیشترین نقش را در ارتکاب جرایم سازمان‌یافته در کشور خود دارند.

امروزه سازمان‌های تروریستی با استفاده از شیوه‌هایی مانند تجارت مواد معدنی و فسیلی، قاچاق مواد مخدر، انسان، تنباکو، آثار باستانی، دریافت خون‌بها از طریق گروگان‌گیری، سرقت، جذب کمک‌های خرد از طریق خیریه‌ها و مؤسسات غیرانتفاعی، جذب کمک از طریق جنگجویان خارجی و اخذ مالیات و عوارض، منابع مالی مورد نیاز خود را تأمین می‌کنند.

بر این اساس با تحولات صورت‌گرفته، سازمان‌های تروریستی بیشتر منابع مالی مورد نیاز خود را از سرزمین‌های تحت اشغال به‌دست می‌آورند، از این‌رو نیازی به انتقال پول از طریق شبکه بانکی یا مرزهای بین‌المللی ندارند. حتی در صورت نیاز به انتقال منابع نیز از بین سه روش ۱. انتقال از طریق سیستم‌های مالی رسمی مانند بانک‌ها؛ ۲. استفاده از ظرفیت موجود در سیستم تجارت بین‌الملل؛ ۳.

استفاده از مکانیسم‌های مربوط به انتقال پول یا ارزش (MVTS)^۱ مانند سیستم حواله؛ شیوه سوم را ترجیح می‌دهند. این سازمان‌ها برای پنهان ساختن فعالیت‌های خود اغلب از سیستم‌های پول‌رسانی جایگزین (ARS)^۲ با پوشش مؤسسه‌های خیریه و دیگر واحدهای نفوذپذیر استفاده می‌کنند. سازمان‌های تروریستی نشان داده‌اند که سازگارپذیری بالایی دارند و با فرصت‌طلبی و هوشیاری از ابزارهایی که پیشرفت‌های تکنولوژی در اختیار انسان‌ها قرار می‌دهد، نهایت استفاده را می‌کنند. گروه‌هایی مانند داعش صحبت از سنت و خلفا می‌کنند، ولی در استفاده از تکنولوژی ابایی ندارند. فلذا مبارزه با روش‌ها راهکار مناسبی برای مقابله با تأمین مالی نیست.

همان‌گونه که در مباحث ارائه‌شده در این مقاله تبیین شد حمایت مالی از تروریسم جزئی از تأمین مالی تروریسم است. با بررسی اسناد بین‌المللی و توصیه‌های نهادهای بین‌المللی پی می‌بریم که عمده تلاش‌های صورت‌گرفته برای مقابله با حمایت مالی از تروریسم بوده است.

برای طراحی نظامی کارآمد باید علاوه بر در نظر گرفتن تمامی شیوه‌های تأمین مالی تروریسم با این پدیده همانند جرایم سازمان‌یافته برخورد کرد. در این صورت تمرکز ما بر روی نظام بانکی و پولی نیست، بلکه به ماهیت این پدیده که همان سازمان‌یافته بودن است، توجه می‌شود و بر این اساس از شیوه‌هایی مانند مراقبت الکترونیکی (شنود مکالمات و غیره)، عملیات سری، تعیین پاداش مالی برای مخبران، حمایت از شهود و اطلاع‌دهندگان و... استفاده می‌شود.

بررسی فعالیت گروه‌های تروریستی بیانگر این است که جامعه بین‌الملل در صورتی که توجه ویژه به موضوع مطروحه نداشته باشد، پیوند شوم تروریسم و جرایم سازمان‌یافته در آینده معجون کشنده‌ای را در نقاط مختلف جهان عرضه خواهد کرد که متشکل از یک دولت ضعیف یا فاسد، بخش جنایی و یک بخش تروریستی است.

قانونگذار ایرانی نیز باید با این دیدگاه در قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم بازنگری کند. جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم بدون جرم‌انگاری مستقل تروریسم کاربرد چندانی ندارد. بر این اساس پیشنهاد می‌شود قانونگذار محترم با تصویب قانون جامع مبارزه با تروریسم علاوه بر تأمین مالی تروریسم با دیگر جرایم وابسته به تروریسم نیز مقابله کند.

منابع

الف) فارسی

۱. بقایی همامنه، اسماعیل (۱۳۸۰)، *تروریسم بین‌الملل و شورای امنیت سازمان ملل*، نشریه راهبرد، شماره ۲۱.
۲. حکیمی‌ها، سعید (۱۳۸۴)، *مقایسه تروریسم و جرم سازمان‌یافته*، مصباح مجله علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع)، ش ۶۱.

1. Money or Value Transfer Services (MVTS).
2. Alternative remittance services

۳. شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۸۰)، بررسی سیاست کیفری ایران در قبال جرایم سازمان یافته با رویکرد به حقوق جزای بین المللی، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
۴. شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۸۳)، *جرایم سازمان یافته*، مجله فقه و حقوق، شماره ۱.
۵. صنوبر، ناصر (۱۳۹۳)، اقتصاد تروریسم، انتشارات بورس.
۶. عالی پور، حسن (۱۳۸۵)، *پول شویی تهدیدی علیه امنیت ملی*، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره دوم.
۷. عباسی، اصغر (۱۳۹۳)، حقوق کیفری اقتصادی، مبارزه با پول شویی در اسناد بین المللی و نظام حقوقی ایران، نشر میزان.
۸. عبداللهی، محسن (۱۳۸۱)، *پیامدهای حوادث یازده سپتامبر بر مبارزه با تروریسم*، ماهنامه حقوقی، شماره اول.
۹. فیرحی، داود؛ ظهیری، صمد (۱۳۸۷)، *تروریسم؛ تعریف، تاریخچه و رهیافت های موجود در تحلیل پدیده تروریسم*، فصلنامه سیاست، دوره ۳۸.
۱۰. کارگری، نوروژ (۱۳۹۱)، درون مایه های تروریسم، تهران، نشر میزان.
۱۱. گروه ضربت اقدام مالی (فتف) (۱۳۹۲) استانداردهای بین المللی مبارزه با پول شویی و تأمین مالی تروریسم، ترجمه فردوس زارع قاجاری و علی قائم مقامی، تهران، نشر تاش.
۱۲. لایحه مبارزه با تأمین مالی تروریسم، تاریخ چاپ ۱۳۹۴/۸/۶.
۱۳. لایحه مبارزه با تروریسم، تاریخ چاپ ۱۳۸۲/۸/۲۸.
۱۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۸۰-۱۳۷۹)، *تقریرات درس جرم شناسی (بزهکاری مزمن، پیشگیری زودرس، جرایم سازمان یافته)*، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

(ب) لاتین

A. Books and Articles

15. Adames, James, (1986), *The Financing of Terror*. London: New English Library.
16. Barrett, Richard, (2012), *PREVENTING THE FINANCING OF TERRORISM*, Case Western Reserve Journal of International Law, Vol. 44 Issue 3.
17. Bruce G. Ohr, *EFFECTIVE METHODS TO COMBAT TRANSNATIONAL ORGANIZED CRIME IN CRIMINAL JUSTICE PROCESSES*, (2002)
18. Byman, Daniel, *Al Qaeda, the Islamic State, and the Global Jihadist Movement: What Everyone needs to know*, oxford
19. Dandurand, Yvon (2004), *LINKS BETWEEN TERRORISM AND OTHER FORMS OF CRIME*, International Centre for Criminal Law Reform and Criminal Justice Policy
20. F. Kohlmann, Evan, (2006), *THE ROLE OF ISLAMIC CHARITIES IN INTERNATIONAL TERRORIST RECRUITMENT AND FINANCING*, Printed in Denmark by Vesterkopi, free of charge from www.diiis.dk
21. FATF REPORT, (2015), *Financing of the Terrorist Organisation Islamic State in Iraq and the Levant*
22. Gertz, B. (2015), "New al Qaeda Group Produces Recruitment Material for Americans, Westerners" The Washington Free Beacon, <http://freebeacon.com/national-security/new-al-qaeda-group-produces-recruitment-material-for-americans-westerners>
23. Global Terrorism Index 2015, *MEASURING AND UNDERSTANDING THE IMPACT OF TERRORISM*, INSTITUTE FOR ECONOMIC & PEACE
24. Gonzalez, Elsie, (2013), "The Nexus between Human Trafficking and Terrorism, Organized Crime: Combating Human Trafficking By Creating a Cooperative Law Enforcement System", Student Scholarship
25. Jean-François, Thony, (2002), *MONEY LAUNDERING AND TERRORISM FINANCING: AN OVERVIEW*, see in <https://imf.org/>
26. 12-Kantor, Mark (2002), *Effective enforcement of international obligation to suppress the financing of terror*, American Society of international law

27. M. Cherif, Bassiouni.,(2001),Investigating International Trafficking In Women And Children For Commercial Sexual Exploitation, THE INTER-AMERICAN CHILDREN'S INSTITUTE OF THE ORGANIZATION OF AMERICAN STATES,2 Int'l Human Internationale
 28. Maher,S.,and Carter,J (2015),“Analyzing the ISIS'twitter storm”,WarontheRocks, see in: <http://warontherocks.com/2014/06/analyzing-the-isis-twitter-storm/>
 29. Marin, Florida,(2015), TERRORISM FINANCING. CONNECTIONS TO ORGANIZED CRIME, CRIMINAL LAW REVIEW see in <http://www.criminallawreview.eu/>
 30. Miller, G. (2014), “Airstrikes against Islamic State do not seem to have affected flow of fighters to Syria”, Washington Post,
 31. Muhyadin Ahmed Roble,(2010), Al-Shabaab Razes Somali Forests to Finance Jihad, TERRORISM MONITOR see in: http://www.jamestown.org/uploads/media/TM_008_dadc5d.pdf.
 32. Schott.Paul Allan,(2006),Refrence Guid to Anti money Laundering and Combating the Financing of Terrorism The Word Bank.Second Edition
 33. Shelley, Louise I,(2014), 'ISIS, Boko Haram, and the Growing Role of Human Trafficking in 21st Century Terrorism", Cambridge University Press
 34. TERRORIST FINANCING(2008),FATF,see in www.fatf-gafi.org
 35. Warrick, J.(2013) “Private Donations Give Edge to Islamists in Syria, Officials Say”, The Washington Post, www.washingtonpost.com/world/national-security/private-donations-give-edge-to-islamists-in-syria-officials-say/
- B. Documents and Conventions**
36. Afghanistan Opium Survey 2014/UNODC REPORT NOVEMBER 2014Survey
 37. Country Reports on Terrorism 2013/ United States Department of State Publication /Released April 2014
 38. E.U.Directive on the prevention of the use of the financial system for the purpose of money laundering and terrorist financing,2005/60/EC
 39. International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism,1999
 40. International Standards on Combating Money Laundering and the Financing of Terrorism & Proliferation the FATF Recommendations,2012
 41. Security Council /Resolution 1373 (2001)/ see in:United Nations S/RES/1373(2001)
 42. Security Council /Resolution 2133 (2014)/ see in: United Nations S/RES/2133(2014)
 43. Security Council /Resolution 2161 (2014)/ see in: United Nations S/RES/2161(2014)
 44. Security Council /Resolution 2166 (2014)/ see in: United Nations S/RES/2166(2014)
 45. Security Council /Resolution 2170 (2014)/ see in: United Nations S/RES/2170(2014)
 46. Security Council /Resolution 2199 (2015)/ see in: United Nations S/RES/2199(2015)
 47. Security Council /Resolution 2253 (2015)/ see in: United Nations S/RES/2253(2015)
 48. Security Council /Resolution 731 (1992)/ see in: United Nations S/RES/731(1992)
 49. Uniting and Strengthening America by Providing Appropriate Tools Required to Intercept and Obstruct Terrorism (USA PATRIOT ACT) Act of 2001
 50. UNODC Model Money Laundering,Proceeds of Crime and Terrorist Financing Bill 2003
- C. Internet sites**
51. <http://www.mefa.ir/>
 52. <http://www.state.gov/j/ct/list/c14151.htm>
 53. <http://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/jl2308.aspx>
 54. <http://www.vox.com/2015/5/19/8625459/isis-cash-nyt>
 55. <http://www.washingtontimes.com/news/2014/oct/23/isis-best-funded-terrorist-group-earth-treasury/?page=all>